

نشانی برای دریافت و انتشار

ایمیل های شما

Info.sabz1388@googlemail.de

تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

۴۲

۶ آبان ۱۳۸۸



اولین روزنامه ایچیبلی

سبز  
GREEN  
NEWS PAPER

ابراهیم نبوی:

سبزه های ۱۳ آبانی گوش کنید!

صفحه: ۲

عبدالله نوری سکوت راشکست

## حکومت از رنگ سبز و دعای کمیل هم می ترسد



۷ روز تا ۱۳ آبان

نه شرقی، نه غربی، دولت سبز ملی

اوباما، اوباما،

یا با اونا، یا با ما

۱۳ آبان سبز از تهران تا نیویورک



حرفهای لیلی پور زند:

روزنامه نگار ۷۸ ساله

زندانی در وطن

راه پیمائی مادران عزادار در  
لوس آنجلس

صفحات: ۶ و ۱۵

هنگامه شهیدی: یا آزاد می شوم یا می میرم!

سردار فضلی: سبزه ها دارند می آیند

دستور العمل محرمانه برای سانسور اخبار ۱۳ آبان

تدابیر امنیتی لازم برای ۱۳ آبان

دوره جدید وقت کشی اتمی جمهوری اسلامی

ماجرای شهرام امیری و لو رفتن سایت مخفی غنی سازی قم

جنگ سازمانهای امنیتی جمهوری اسلامی

۱۰	رضا تقی زاده
۱۱	بابک راد
۱۲	دکتر علمداری
۱۳	مرتضی کاظمیان

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:  
شهرام امیری

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه  
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

جنبش سبز

گفت وگو با عبدالکریم  
لاهیچی:

سرکوب شدید ترس مردم را

ریخت

اعتراض هر سه شنبه

صفحات: ۴ و ۸

هنر سبز

خسرو باقرپور،

محسن بوالحسنی،

شهرام بهار دوست،

اسماعیل خویی،

رضا مقصدی، پیرایه یغمایی

صفحات: ۱۷-۱۶

راههای سبز

بیانیه چهارده تن از فعالان سیاسی:

زندان و اعدام مردم را

نمی ترساند

تجمع ششم آبان

اتمام حجت خانواده های زندانیان

سیاسی با کودتا چیان

صفحات: ۹-۲



## راههای سبز

خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، فرمانده نیروی انتظامی که در نمایشگاه مطبوعات با خبرنگاران گفتگو می‌کرد، اظهار داشت: «توصیه من این است هر کس می‌خواهد تجمعی داشته باشد مجوزهای لازم را بگیرد تا از حمایت‌های نیروی انتظامی برخوردار باشد».

در ماه‌های اخیر هیچ یک از درخواست‌های میرحسین موسوی و مهدی کروبی، و یا احزاب و سازمان‌های منتقد حکومت برای برگزاری مراسم و یا تجمع، پاسخ مثبت از وزارت کشور و یا دیگر نهادهای حکومتی نگرفته است. در ماه رمضان حتی تعدادی از مراسم‌های سنتی، مثل تجمع شب‌های احیا در مقبره آیت‌الله خمینی، برای جلوگیری از تجمع اصلاح‌خواهان و سبزها، لغو شد. با توجه به سوابق رفتار وزارت کشور بعید به نظر می‌رسد که سبزها در پی مجوز رسمی برای راهپیمایی‌ها ۱۳ آبان داشته باشند. اگر چنین درخواستی نیز ارائه شود، بعید است که وزارت کشور با آن موافقت کند. در آستانه‌ی روز قدس سپاه پاسداران با انتشار اطلاعیه‌ای تهدید کرده بود که با حضور سبزها و شعارهای انحرافی برخورد خواهد کرد، اما حضور انبوه سبزها هرگونه ابتکار عملی را از آنها گرفت و این روز را به نمایش قدرت دیگری از سوی معترضان تبدیل کرد. یکی از فرماندهان سپاه شمار سبزها در روز قدس در تهران را ۲ میلیون نفر اعلام کرد.

### کمک رقیبان

فارغ از بحث‌های مربوط به دریافت "مجوز رسمی"، تدارک و تبلیغات سبزها برای راهپیمایی‌های ۱۳ آبان ادامه دارد. بخش بزرگی از این فعالیت‌ها پخش اعلامیه، شعارنویسی در خیابانها و فعالیت گسترده در اینترنت و فضای مجازی است. طرح‌ها و پوسترهای تبلیغاتی متنوعی نیز برای تبلیغات روز ۱۳ آبان در وبلاگ‌ها و وبسایت‌های حامیان سبزها انتشار یافته‌اند. در این میان اما سبزها از کمک‌های تبلیغاتی غیرمستقیم رقیبان خود نیز کم بهره نبرده‌اند. وقتی احمد جنتی از تریبون نماز جمعه تهران ایران نگرانی می‌کند که سبزها در تدارک حضوری مجدد در ۱۳ آبان هستند، فعالین سبز آن را به فال نیک می‌گیرند. زیرا به اعتقاد آنها، اظهارات احمد جنتی، بسیار بیش از تولید "نگرانی"، درباره همایش آینده سبزها اطلاع‌رسانی می‌کند. احمد جنتی در نماز جمعه گفت: «عده‌ای که مهره‌ی دست دیگران هستند می‌خواهند در این روز [۱۳ آبان] ماهیت آمریکایی و اسرائیلی خود را نشان دهند». روح‌الله حسینیان، یکی از نمایندگان اصول‌گرای مجلس نیز با اشاره به تدارک سبزها برای روز ۱۳ آبان گفت: «خوشحال می‌شوم و از خدا می‌خواهم که این جریان، روز ۱۳ آبان هم به میدان بیاید و در مقابل جریان انقلابی که امام آن را انقلاب دوم نامید، شعار سر دهد تا معلوم شود که چه کسانی دنبال آشوب هستند».

### ۱۳ آبان، همه‌جا سبز

فعالان سبز می‌گویند: «قرار است ۱۳ آبان همه جا سبز شود، از تهران تا نیویورک، از شهرهای بزرگ و کوچک کشور، تا روستاهای دور دست، هر جا مدرسه‌ای هست، هر جا که دانشجویی حضور دارد». آگاهان می‌گویند با توجه به پیگیری و سماجتی که سبزها در ماه‌های اخیر از خود نشان داده‌اند و نیز تجربه حضور قوی آنها در روز قدس، اظهارات حامیان و مبلغان سبزها درباره ۱۳ آبان تبلیغات صرف نیستند. به نظر می‌رسد این جدی‌بودن سبزها برای حامیان دولت احمدی‌نژاد نیز کاملاً محرز است. گفته می‌شود انتشار "شایعه" یا "خبر" شکایت ۱۰۰ نماینده مجلس از میرحسین موسوی نیز به تدارک سبزها برای ۱۳ آبان مربوط می‌شود و اقدامی است برای زیرفشار گذاشتن موسوی و کروبی برای فاصله گرفتن از همراهی با جوانان در روز ۱۳ آبان است. در حمله اخیر نیروهای امنیتی و انتظامی به مراسم دعای کمیل گروهی از جوانان و بازداشت تعداد زیادی از آنان نیز ادعا شده که شرکت‌کنندگان در مراسم در تدارک سازماندهی روز راهپیمایی‌های روز ۱۳ آبان بوده‌اند.

منبع: دویچه وله

## بازداشت ۵۰ کارگر معترض لوله سازی

با دخالت نیروهای انتظامی چهارمین روز اعتراضات کارگران لوله چدنی اهواز به خشونت کشیده شد و تعداد زیادی نیز بازداشت شدند.

با دخالت نیروهای انتظامی چهارمین روز اعتراضات کارگران لوله چدنی اهواز به خشونت کشیده شد و تعداد زیادی نیز بازداشت شدند. به گزارش واحد کارگری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، کارگران لوله چدنی اهواز در چهارمین روز اعتراضات خود در خصوص عدم پرداخت ده ماه حقوق خود اقدام به تجمع و راهپیمایی در چهارراه نادری و خیابانهای 30 متری و طالقانی اهواز کردند، نیروهای انتظامی که در طی روزهای قبل تنها نظاره گر این اعتراضات بودند در طی اعتراض روز جاری خواستار پایان یافتن اعتراضات و پراکنده شدن کارگران شدند. با عدم قبول این خواسته نیروهای انتظامی از سوی کارگران معترض، این نیروها به جمعیت کارگران یورش بردند و با این اقدام تجمع را به خشونت کشاندند. در این رابطه علاوه بر تعدادی از کارگران که زخمی شده‌اند، دست کم بازداشت 50 کارگر دیگر نیز گزارش شده است. از سرنوشت کارگران بازداشت شده اطلاعی در دست نیست.

## ۷ روز به ۱۳ آبان سبز

### ابراهیم نبوی:

## سبزهای ۱۳ آبانی گوش کنید!



سبزهای عزیز! بگوش کنید، درگیر بازی نشوید و حرف‌های صد من یک قازی را که هیچ کمکی به پیشبرد جنبش نمی‌کند، تکرار نکنید. هر کسی که به وحدت خاتمی و کروبی و موسوی کمک کند، جنبش سبز را پیش می‌برد. هر سه رهبر جنبش سبز حواس شان هست چه می‌کنند. کودتا چپان دو بازی دو طرفه ای را در پیش گرفته‌اند، از یک طرف چنان حرف می‌زنند که انگار در حال کنار آمدن با موسوی هستند و از طرفی به اسم اینکه می‌خواهند از همه چیز انتقاد کنند، فقط به موسوی و خاتمی انتقاد می‌کنند. حالا انتقاد کنند، انتقاد که مشکلی ندارد، دارند طرف را ضایع می‌کنند.

این رفیق ما هم وقتی مهاجرانی با حکومت مخالفتش را جدی کرد، شروع کرد بد گفتن به مهاجرانی، وقتی سازگارا علیه حکومت تند شد، پادشاه افتاد که سازگارا دو هزار سال قبل جزو موسسین سپاه بوده، وقتی موسوی رهبری جنبش را در دست گرفت، جوری حرف زد انگار موسوی رئیس جمهور است و انگار نه انگار در ایران خامنه‌ای و احمدی نژاد هم وجود دارند. حالا هم گیر سه پیچ به خاتمی و کدیور، اشکالش هم این است که چرا موسوی می‌گوید شعار تند ندهید. طبیعی است که می‌گوید شعار تند ندهید، او باید بگوید شعار تند ندهید، ما هم باید بگوئیم چشم، ولی شعارمان را بدهیم. موسوی اعلام کرده که من هیچ حرف پنهانی از مردم ندارم و تا به حال هم رفتارش درست بوده، اگر کسی به اسم دفاع از جنبش سبز علیه موسوی یا خاتمی کاری بکند که دعوا را از دعوی ما با حکومت، تبدیل به دعوی درونی جنبش کند، حتما یک مشکلی وجود دارد. حالا از اینها گذشته، اکثر شهدای جنبش سبز زمانی کشته شدند که هنوز شعارهای تند اختراع هم نشده بود، چه معنی دارد که مثلا کسی بگوید شعارتان بواش باشد یا تند باشد. شما که در هر حال می‌گیرید و می‌زنید، دیگر چه فرقی می‌کند که آدم چه شعاری بدهد. وقتی هفتاد نفر را بخاطر خواندن دعای کمیل می‌گیرند و هنوز 19 نفرشان زندانی اند، یعنی همین افراد مشکلی حکومت اند، وگرنه شما تندترین شعار را هم بدهید، ولی کسی به شما کاری نداشته باشد، معلوم می‌شود که اصولا این حکومت است که می‌خواهد شعارها تند باشد که دیگر نتوان یک جمع دو میلیونی را در خیابان نگه داشت. این نکته را در راندگی قطعا رعایت کنید، سرعت تان به اندازه ای باشد که دو میلیون نفر بتوانند کنار تان راه بروند، نه اینکه آنقدر تند برویم که از عموم مردم جدا بمانیم. ما به اتحاد سبزها نیاز داریم.

## ۱۳ آبان سبز از تهران تا نیویورک

در ایران تدارک سبزهای برای روز ۱۳ آبان به شدت ادامه دارد. فرمانده نیروی انتظامی که پیشتر تظاهرات سبزها در روز ۱۳ آبان را بلامانع اعلام کرده بود، اکنون می‌گوید باید برای هر نوع حضور و تجمعی مجوز دریافت شود. ۱۳ آبان، روز دانش‌آموز و سالروز دو واقعه مهم در تاریخ دهه‌های اخیر ایران است. در ۱۳ آبان سال ۵۷ سربازان ارتش شاه بطور مستقیم به سوی دانشگاه و به روی دانشجویان تیراندازی کردند که به کشته و زخمی شدن شماری از دانشجویان انجامید. پخش گزارش مستندی از این واقعه از تلویزیون ملی ایران تکان بی‌سابقه‌ای به جنبش ضد رژیم شاه داد. شعار "مرگ بر شاه" برای نخستین‌بار از همین روز آغاز شد. برخی تحلیل‌گران آغاز انقلاب سال ۵۷ را به‌واقع همین روز می‌دانند. در ۱۳ آبان سال ۵۸ نیز گروهی که خود را دانشجویان پیرو آیت‌الله پیرو روح‌الله خمینی معرفی می‌کردند، سفارت آمریکا در تهران را اشغال کرده و کارمندان آن را به گروگان گرفتند. این حادثه سرآغاز رابطه تنش‌آلود و حتی خصمانه‌ی ایران با آمریکا و دیگر کشورهای غربی بود که تا به امروز ادامه دارد و هزینه‌ها و پیامدهای سنگینی برای منافع ایران در پی داشت.

۱۳ آبان بعدها روز دانش‌آموز و "روز ملی مبارزه با استعمار" نام گرفت. اکنون سبزها درصددند که همانند روز "قدس"، از مناسبت ۱۳ آبان برای همایش و نمایشی دیگر استفاده کنند. به تازگی برخی فعالان جنبش سبز از ۱۳ آبان به نام "روز ملی مبارزه با استبداد" یاد می‌کنند.

در سال‌های گذشته این مناسبت‌ها در اختیار و انحصار حکومت بود و از آنها برای کشاندن مردم به خیابان‌ها و نمایش قدرت استفاده می‌کرد. اکنون این امکانات از سوی سبزها تقریباً تصرف شده است.

### حرف‌های متناقض احمدی مقدم

اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران اواسط مهرماه در نخستین واکنش به تصمیم سبزها برای تظاهرات ۱۳ آبان گفت: «ما با جنبش سبز یا جنبش دیگری اگر در چارچوب قانون باشد مشکلی نداریم و حتی اگر غیرقانونی باشد تا مرز آشوب تحمل می‌کنیم اما اگر به آشوب و اغتشاش کشیده شود نیروی انتظامی برخورد می‌کند». روز گذشته (۲ آبان/۲۴ اکتبر) اما احمدی مقدم اظهارات پیشین خود را تغییر داد و گفت، هر کس می‌خواهد تجمعی داشته باشد، باید مجوزهای لازم را بگیرد. به گزارش



## دستور سانسور اخبار 13 آبان از سوی دولت

دیروز یک منبع مطلع با ارسال متن دستور العمل جدید دولت احمدی نژاد برای "روز"، افشا کرد که این دولت رسانه ها و خبرگزاری های کشور را از درج اخبار مربوط به دعوت مردم برای حضور در تجمع 13 آبان منع کرده است.

معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال این نامه که با مهر "خیلی محرمانه" و "فوری" برای مدیران رسانه ها ارسال شده تاکید کرده: "نظر به اینکه احتمال تحرک و گروه های مخالف نظام در آستانه روز 13 آبان سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و منحرف نمودن افکار عمومی از مراسم روز ملی مبارزه با استکبار جهانی وجود دارد و احتمالاً برخی جریان های سیاسی داخلی نیز در ادامه مسائل پس از انتخابات ریاست جمهوری قصد بهره برداری سیاسی و برهم زدن آرامش جامعه را دارند، پیرو مکاتبات قبلی و با تاکید بر اینکه موضوع انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با توجه به تایید مراجع رسمی و قانونی، خاتمه یافته است خواهشمند است از درج هرگونه خبر، عکس و مطلبی که موجب ایجاد تنش در جامعه و برهم زنده نظم عمومی است جدا خودداری به عمل آید."

این نامه، به امضای علیرضا ملیکان معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزیر ارشاد رسیده و تاریخ امضای آن، سی مهر ماه 88 است. (تصویر نامه را در انتهای مطلب ببینید).

### پیام "یوتیوبی" کروی

دستور العمل "خیلی محرمانه" اخیر دولت احمدی نژاد به رسانه ها، از سوی آگاهان تحولات پس از انتخابات نشانه ای از نگرانی این دولت نسبت به حضور فعال اصلاح طلبان در مناسبت های عمومی تلقی شده است.

در خبرسازترین موضع گیری در این ارتباط، دیروز مهدی کروی دبیرکل حزب اعتماد ملی در پیامی که از طریق شبکه "یوتیوب" پخش شد از مردم دعوت کرد تا در مناسبت های عمومی و مجامع عمومی حاضر شوند و اظهار داشت: "مصمم هستیم از این پس همچنان در مجامع عمومی مانند راهپیمایی 22 بهمن، عزاداری محرم و گردهمایی هایی از این قبیل حضور بیایم و تنها نتیجه توسل به خشونت علیه من این است که اگر قبلاً حضور خود را از پیش اعلام نمی کردیم، از این پس خواهیم گفت در کدام محل و مراسمی حضور خواهیم یافت."

اشاره مهدی کروی از "توسل به خشونت" علیه خود ظاهراً ناظر به وقایع روز جمعه گذشته و هنگام حضورش در نمایشگاه مطبوعات است که به حمله نیروهای لباس شخصی به وی و حامیانش انجامید. کروی در پیام دیروز خود با اشاره به چنین رفتارهایی تاکید کرده: "هیچ وقت از میدان به در نمی رویم و در این راه محکم و قرص ایستاده ایم و از هیچ چیز باک نداریم."

دبیرکل حزب اعتماد ملی در بخش دیگری از این پیام با اشاره به برخی شخصیت های محافظه کار که از وی خواسته اند از راه خود توبه کنند گفته است: "در این شرایط که یک جریان حاکم است و هرچه می خواهد میگوید و جریان دیگر هیچ ابزاری برای پاسخگویی در اختیار ندارد از توبه هم صحبت می شود. آنهایی باید توبه کنند که به نظام خیانت می کنند و به انحراف می کنند و تلاش می کنند اسلامش را بی محتوی و پوچ کنند و جمهوریت آن را نیز از بین ببرند و جز نام چیز دیگری از آن نماند."

### تهدید سپاه به برخورد با راهپیمایان

در واکنشی جداگانه به امکان برگزاری تجمعات اعتراضی در 13 آبان، دیروز فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران از تمامی نیروهای بسیجی و امنیتی دعوت کرد تا برای مقابله با "فتنه و شیطنت در روز 13 آبان" آماده باشند.

سردار علی فضل‌پور یادواره کشوری شهید فهمیده و 36 هزار دانش آموز و 4 هزار شهید فرهنگی که در کرج برگزار شده بود گفت: "کانون فتنه اعلام کرد که در روز 13 آبان شیطنت‌هایی را خواهد داشت در این زمینه نیز باید هوشیار باشیم و غفلت نکنیم."

در واکنشی همزمان، روز گذشته استاندار تهران اعلام کرد که تاکنون هیچ مجوزی برای برگزاری راهپیمایی در روز 13 آبان صادر نشده است.

استاندار تهران در گفت و گو با ایلنا تصریح کرد: "هرکس که به دنبال برگزاری تجمع است، باید مجوز اخذ کرده و اقدام وی مبتنی و مستند به قانون باشد و تا به حال کسی تقاضای درخواست مجوز نکرده است."

پیشتر احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی هم گفته بود که "برای هر تجمعی در روز سیزدهم آبان باید مجوز قانونی دریافت شود و هر تجمع قانونی قطعاً چتر امنیتی پلیس را به دنبال خواهد داشت و از هر اقدام قانونی حمایت خواهد شد." وی در عین حال هشدار داده بود که در مقابل از اقدامات غیرقانونی جلوگیری خواهد شد و با متخلفان برابر قانون برخورد می شود.

ناظران یادآوری می کنند که سه دهه است در سالگرد 13 آبان راهپیمایی هایی در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار می شود و مساله درخواست مجوز برای چنین مراسمی اولین بار است که در سالهای پس از اشغال سفارت آمریکا مطرح می شود.

### منبع: روز آن لاین

## سردار فضلی: سبزه ها دارند می آیند



با ادامه درخواست های برخی معترضان به نتایج انتخابات برای بدل کردن تظاهرات رسمی 13 آبان به یک تجمع اعتراضی دیگر، یک مقام نظامی در این باره هشدار داده است.

به گزارش خبرگزاری فارس سردار علی فضلی، فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران روز دوشنبه در جلسه "یادواره کشوری شهید فهمیده" در کرج گفت: "کانون فتنه اعلام کرد که در روز 13 آبان شیطنت هایی را خواهد داشت، در این زمینه نیز باید هوشیار باشیم و غفلت نکنیم."

او ابراز نگرانی کرد که "اگر نگران نباشیم در آینده مشکلات جدی تری را خواهیم داشت."

مقام های متعدد جمهوری اسلامی از اعتراضات گسترده به نتایج انتخابات به عنوان "فتنه" نام برده اند و مخالفان را متهم به تلاش برای انقلاب مخملی کرده اند.

مخالفان که دولت از تجمعات آنها جلوگیری می کند در روز قدس در 27 شهریور با شعارهایی چون "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" و "مرگ بر دیکتاتور" دست به تظاهرات بزرگ زدند و اکنون بار دیگر با استفاده از اینترنت و گاه دیوارنویسی برای بدل کردن 13 آبان به یک مراسم ضد دولتی از مردم دعوت می کنند.

13 آبان که مصادف با سالگرد اشغال سفارت آمریکا در سال 1358 است، روز دانشجو و "روز مبارزه با استکبار" نامگذاری شده است.

سردار فضلی چندمین مقامی است که در مورد احتمال راهپیمایی مخالفان در روز 13 آبان اظهار نظر می کند.

چند هفته پیش در روز 24 مهر احمد جنتی امام جمعه موقت تهران با اشاره به 13 آبان گفت "کسانی که مهره دست دیگران هستند و نقشه هایشان در مراسمی مانند روز قدس خنثی شد، در این مراسم نیز بی نقشه نیستند هرچند می دانند این بار هم نقشه هایشان نقش بر آب خواهد شد."

روح الله حسینیان، رئیس فراکسیون "انقلاب اسلامی" در مجلس شورای اسلامی نیز روز ۲۹ مهر به خبرگزاری رسمی دولت ایران گفت: "برای راهپیمایی روز قدس هم تمام رادیوهای خارجی و ضد انقلاب و رسانه های داخلی همسو با این جریان تلاش خود را به کار بردند، اما نتوانستند بیش از چند هزار نفر را جمع کنند و این افراد در مقابل سیل جمعیت حزب الهی به حساب نیامند."

اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی ایران هشدار داده است که پلیس در صورت برگزاری راهپیمایی ضددولتی "با متخلفان برابر قانون برخورد خواهد کرد."

منبع: بی بی سی- عنوان: روزنامه سبز

## دستور العمل محرمانه برای سانسور اخبار ۱۳ آبان



دولت نهم با ارسال بخشنامه ای به مطبوعات، خبرگزاری و سایت های خبری، از آنان خواست تا از درج اخبار و مطالب مربوط به دعوت حضور حامیان جنبش سبز برای حضور در راهپیمایی 13 آبان خودداری کنند. این در حالی است که مهدی کروی در آخرین پیام خود اعلام کرده که مصمم است از این پس در مراسم و اجتماعات عمومی حضور فعال داشته باشد.

در حالی که کمتر از 10 روز به 13 آبان سالروز اشغال سفارت آمریکا در سال 58 باقی مانده، حال و هوای برگزاری مراسم این روز با سالهای گذشته تفاوت یافته و تبدیل به ابزاری برای رودرویی مخالفان با حکومت شده است.



### تدابیر امنیتی لازم برای ۱۳ آبان

رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی و فرهنگیان کل کشور از تشکیل واحدهای مقاومت موسوم به «مقاومت میدان» در سطح مدارس ابتدایی کشور خبر داد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سردار سرتیپ دوم پاسدار محمدصالح جوکار، صبح سه‌شنبه در یک نشست خبری اظهار کرد: "طی روزهای آینده یعنی در ایام هفته بسیج

دانش‌آموزی، واحدهای مقاومت میدان در سطح مدارس ابتدایی کل کشور تشکیل می‌شود. ما تا کنون در مدارس راهنمایی و متوسطه واحدهای مقاومت داشتیم و امسال در شش هزار مدرسه ابتدایی نیز واحدهای مقاومت دانش‌آموزی را تشکیل خواهیم داد. این واحدها هزینه ترویج فرهنگ بسیجی را خواهند داشت و مسوولیت این امر بر عهده معلمان بسیجی گذاشته شده است. ما می‌دانیم عده‌ای فریب‌خورده می‌خواهند از این فضاها و ایام الله استفاده کنند؛ زیرا مشت گره کرده مردم ما در روز ۱۳ آبان همواره به سمت استکبار جهانی بوده است؛ بنابراین دشمن تلاش می‌کند از این فرصت استفاده کند ولی مردم ما با بصیرتی که دارند توطئه‌ها را خنثی می‌کنند."

جوکار با بیان این که تدابیر امنیتی لازم برای راهپیمایی روز ۱۳ آبان اندیشیده شده است، تاکید کرد:

"همگی شعارها و مشت‌های ما در این روز باید به سمت آمریکا و قدرتهای سلطه‌گری باشد که می‌خواهند جلو پیشرفت ما را بگیرند."

وی در ادامه با اشاره به برنامه‌های سازمان بسیج دانش‌آموزی از هفتم تا ۱۳ آبان، «دانش‌آموز بسیجی الگوی دانایی، بصیرت و ولایت‌مداری» را شعار امسال هفته بسیج دانش‌آموزی عنوان کرد و گفت: "حفظ روحیه افتخار، کارآمدی و مسوولیت‌پذیری در جوانان و نوجوانان کشور، ترویج و گسترش فرهنگ و تفکر بسیجی، تبیین دستاوردهای سازمان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و سازندگی، روشنگری و آگاهسازی جامعه هدف در مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ارتقای روحیه استکبار ستیزی و آرمان‌خواهی و معرفی الگوهای موفق در عرصه‌های مختلف از جمله مهم‌ترین اهداف برنامه‌های امسال در هفته بسیج دانش‌آموزی محسوب می‌شود."

رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی و فرهنگیان کل کشور در پایان درباره برنامه‌های آخرین روز از هفته بسیج دانش‌آموزی یعنی روز ۱۳ آبان گفت: «دانش‌آموز بسیجی، استکبار ستیزی و مقاومت» شعار آخرین روز از هفته بسیج دانش‌آموزی خواهد بود. ما در این روز شاهد حضور سازمان‌یافته و پرنشاط سه میلیون دانش‌آموز بسیجی در راهپیمایی روز ۱۳ آبان در سراسر کشور با عنوان حماسه اتحاد و استکبار ستیزی خواهیم بود. همچنین در این روز مسابقه نقاشی با موضوع مرگ بر آمریکا در سطح مدارس ابتدایی کشور برگزار خواهد شد."

### هنگامه شهیدی: یا آزاد می‌شوم یا می‌میرم!

کمیته گزارشگران حقوق بشر - هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار زندانی که در تاریخ ۹ تیرماه بازداشت شده بود، ساعتی پیش، پس از حدود ۱۲۰ روز، از بند ۲۰۹ زندان اوین به بند عمومی انتقال یافت. وی که پیش‌تر قرار بود با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیونی از زندان آزاد شود، در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی خود، از شب گذشته دست به اعتصاب غذا و دارو زده است.

هنگامه شهیدی اعلام کرده: "یا در اعتصاب غذا می‌میرم، یا آزاد می‌شوم" وی که می‌بایست روزانه ۲۸ عدد قرص را مصرف کند، از شب گذشته از مصرف دارو خودداری نموده است. به گفته‌ی شهیدی، این قرصها شامل قرصهای اعصاب و قلب هستند.

هنگامه شهیدی در شرح انتقال خود به بند عمومی می‌گوید: "به دلیل خصومت یکی از نگهبانان بند ۲۰۹، من و فریبا پژوه را از یکدیگر جدا کردند. عصر امروز نیز، به من اعلام کردند که وسایلم را برای آزادی جمع کنم و درحالی که تا دم در زندان اوین نیز رفتم، مرا به بند عمومی منتقل کردند." وی در مورد اعتصاب غذای خود می‌گوید: "امسال نذر کرده بودم تا در تاریخ ۸/۸/۸۸ به حرم امام رضا بروم، اما با توجه به

وضعیت بلاتکلیفی، اعتصاب غذای خود را از دیشب آغاز کردم. این تنها راهی است که می‌توانم نسبت به شرایط خود اعتراض کنم. یا جنازه من از زندان اوین خارج می‌شود، یا اینکه آزاد می‌کنند."

شهیدی، مدت ۵۰ روز را در سلول افرادی به سر برد و پس از آن به سلول‌های چند نفره بند ۲۰۹ انتقال یافت. این روزنامه‌نگار زندانی، به شهادت افرادی که از زندان اوین آزاد شده‌اند، در جریان بازجویی‌های خود، تحت شدیدترین فشارهای روحی و روانی قرار گرفته است. همچنین، مسئولان زندان، امروز از ملاقات خانواده شهیدی با فرزندشان جلوگیری کرده‌اند.

ادامه بازداشت هنگامه شهیدی درحالی صورت می‌گیرد که حدود یک ماه پیش به خانواده او اعلام شد با تامین قرار وثیقه ۱۰۰ میلیونی می‌توانند وی را آزاد کنند. با این حال، روز شنبه، محمد مصطفایی وکیل این روزنامه‌نگار، اعلام کرد "برای موکلش قرار مجرمیت صادر شده و پرونده او به دادگاه ارسال گشته است."

با توجه به شرایط جسمانی هنگامه شهیدی، ادامه اعتصاب غذای وی، می‌تواند موجب خطرات جدی برای او شود.

کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن ابراز نگرانی جدی نسبت به وضعیت سلامتی هنگامه شهیدی، ادامه بازداشت او را غیرقانونی دانسته و خواهان آزادی فوری وی است. منبع: کمیته گزارشگران حقوق بشر

### گفت و گو با عبدالکریم لاهیجی:

### سرکوب شدید ترس مردم را ریخت



عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس فدراسیون جهانی جوامع حقوق بشر در گفت و گو با روز با اشاره به اظهارات اخیر محسنی اژه ای در خصوص لزوم صمیمانه شدن رابطه دادستان ها با نیروهای نظامی و امنیتی گفت که چنین اقداماتی به منظور تدارک سرکوب شدیدتر صورت می‌گیرد. وی تاکید کرد مقامات تلاش می‌کنند که به این وسیله مردم را خانه نشین نکن، اما ترس مردم به واسطه همین اقدامات ریخته است. این گفت و گو را می‌خوانید:

**آقای محسنی اژه ای دادستان کل کشور از دادستان های کشور خواسته اند که رابطه صمیمانه و دوستانه ای با نیروهای اطلاعاتی و امنیتی داشته باشند. این به چه معناست؟**  
اگر خاطرتان باشد نام فرمانده نیروی انتظامی در جنایات رخ داده توسط بسیجی ها و نیروهای پلیس بعد از انتخابات که از تجاوز و شکنجه و آزار و اذیت مردم تا کتک زدن تظاهرکنندگان را در برمی گرفت بارها مطرح شده بود. حتی در گزارش های کمیته های تحقیق و تحفص مجلس نیز از مسوولیت ایشان نام برده شده بود. اما دیدید که چند روز پیش آقای احمدی مقدم گفته بود که اگر یک مامور نیروی انتظامی شیشه ای را هم شکسته باشد ما نمی‌توانیم به این عنوان او را مورد بازخواست قرار دهیم. بنابراین اظهارات آقای اژه ای حاکی از ادامه این روند و حاشیه امن دادن به چنین بی قانونی هایی خواهد بود. آقای محسنی اژه ای با توجه به اینکه پیش از این که برکسی دادستانی کل تکیه بزند سالها وزیر اطلاعات بود و قبل از آن هم بیشتر مقامات امنیتی داشته تا قضایی- حال چه به عنوان

رئیس دادگاه روحانیت و چه به عنوان قاضی مستقر در وزارت اطلاعات - فکر می‌کنند بتوانند با این اظهارات چهره خشن و آلوده به خون و شکنجه نیروهای انتظامی و نظامی را در پیشگاه مردم بهتر کنند و این سخنان نشان می‌دهد که ایشان تلاش می‌کنند تا چنین خطاهایی با برخورد قضایی مواجه نشود.

**در واقع این سخنان را چراغ سبزی به مقامات اطلاعاتی امنیتی می‌دانید که همکاری که می‌خواهند بکنند؟**

بله، اینها نه فقط در مقام تعقیب و مجازات کسی نیستند بلکه از آنها حمایت و دفاع می‌کنند. پشت آنها هم گرم است. شما یادتان باشد که ظرف سالهای گذشته چه در پرونده قتل های زنجیره ای و چه در پرونده حمله به کوی دانشگاه و در دیگر موارد هرگز مسوولان به کسانی که دستور حمله داده بودند و مسوولیت سیاسی و اداری این جنایات را داشتند مورد تعقیب قرار نگرفتند. کسی که به تازگی مسوولیت بسیج را به عهده گرفته - سردار نقدی- همان کسی است که در رابطه با شکنجه شهرداران تهران و حمله به کوی دانشگاه در دادگاه نظامی محکوم شد و محکومیت چهار تا شش ماه حبس پیدا کرد. حالا می‌بینیم که رهبر جمهوری اسلامی دوباره او را به خدمت فرا می‌خواند و به عنوان فرمانده بسیج انتخاب می‌شود. بنابراین مسلم است که نیروهای انتظامی اعم از سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی به معنای دقیق کلمه می‌دانند که چون مأموریت اصلی آنها سرکوب است و از بین بردن همه گونه تجمعات - چه مسالمت آمیز و چه غیر آن- همکاری که بکنند مورد پیگیری و بازخواست قرار نخواهند گرفت.

**چشم انداز آینده با توجه به این توصیه آقای اژه ای و صمیمانه شدن رابطه نیروهای اطلاعاتی انتظامی با مقامات دادستانی چگونه خواهد بود؟**

جمهوری اسلامی هرگز فکر نمی‌کرد که با وجود گسترده‌ی تقلب موسوی و مردم مقاومت کنند. انتظارشان این بود که مثل گذشته که هم آقای کروبی و آقای رفسنجانی که فقط یک اظهار ناراضیاتی کردند و گفتند به خدا شکایت می‌کنند ایشان هم جا بزنند. با وجود اینکه ابعاد خشونت روز به روز بیشتر شد و دهها تن را کشتند و عده زیادی را دستگیر کردند، هرگز نمی‌پنداشتند که دو مرتبه در ارتباط با روز قدس صدها هزار مردم به خیابان های تهران و بسیاری از شهرستان ها بیایند. تحولات صورت گرفته در ماه های بعد از انتخابات نشان می‌دهد که ترس مردم با وجود خشونت روز افزون نیروهای پلیس و بسیج ریخته است. مقامات فکر می‌کنند با

بالا بردن میزان خشونت و میزان سرکوب به مرور مردم را منزوی و خانه نشین می‌کنند می‌کنند و می‌ترسانند. مثلا افرادی که در خصوص اعمال مجازات اعدام داریم به همین دلیل است. به خصوص طی چهار سال گذشته هر چه اینها میزان اعدام را در ارتباط با جرایم عمومی افزایش داده اند از میزان این جرایم کم نشده است. در واقع، ادامه سیاست جزایی غلط گذشته، در سیاست های امنیتی شان هم قابل رویت است.





## راههای سبز



### تجمع ششم آبان اتمام حجت خانواده‌های زندانیان سیاسی با کودتا چیان

بسم رب المظلومین

بیش از چهارماه از اسارت فرزندان مظلوم این دیار می‌گذرد. عزیزان ما در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات دولت بعد از نهم و یا در بند سپاه هستند که به دستور شورایی امنیت ملی که رئیس آن احمدی نژاد است که خود طرف مناقشه اصلاح طلبان می‌باشد. در این چهارماه کوشش کرده‌اند با پرونده سازی و اتهام زدن و اخذ اعترافات به روش استالینی به عمل خود وجهه قضایی بدهند. اغلب کسانی که در اسارتند یا خانواده شهید یا جانباز جنگ و یا هم جانباز و هم خانواده شهید و یا از فرزندان اندیشمندان، خدوم و پر تلاش انقلاب اسلامی‌اند. اغلب آنان کسانی هستند که سالیان سال را در مبارزه برای استقرار نظام جمهوری اسلامی با آرمان آزادی و استقلال و پیوند اسلامیت و جمهوریت مبارزه کرده‌اند. آنان از عاشقان خاندان اهل بیت (ع) بوده‌اند. همیشه نگران سطره اقتدارگرایان بوده و از افتادن انقلاب به دست ناهلان و نامحرم‌ان. بیم داشته‌اند. و همین احساس خطر، آگاه و بیدار در صحنه نگاهشان داشته است.

امروز آنان در زندانند و خانواده هایشان به شدت تحت انواع فشارها قرار دارند و نمونه اخیر آن تهاجم و دستگیری دسته جمعی شرکت کنندگان در مراسم دعای کمیل در منزل یکی از اعضای جوان جنبه مشارکت ایران اسلامی بود که اکثر آنان را بستگان و دوستان او و خانواده‌های زندانیان سیاسی تشکیل می‌دادند.

متأسفیم که می‌بینیم اگر زینب کبری(س) پس از حادثه خونبار کربلا به اسارت رفت و در کاخ یزید در برابر او و سپاهش به یزید تاخت و خطبه تاریخی اش را خواند اما یزیدیان حق فریاد و اعتراض را از او نگرفتند اما امروز در ایران همسران و فرزندان اسرای اصلاحات که برای تسلی خویش گرد هم می‌آیند تا با دعای کمیل که یادگار امام علی (ع) است به درگاه خداوند و اهل بیت او متوسل شوند مورد هجوم مأموران امنیتی قرار می‌گیرند و به اسارت می‌روند. این رفتار سپاه در ادامه فشارها و شکنجه روحی و روانی بر اسرای اصلاحات و فشارهای وارده بر خانواده‌های مظلوم آنان و قانون شکنی‌هایی است که نشان می‌دهد گروه حاکم حتی به قوانین خود هم اعتنایی ندارد و بر ما آشکار شده است که دیگر به این گروه امیدی نمی‌توان بست.

متأسفیم که باید بگوییم در این چهارماه که هر روزش چون سالی بر ما و عزیزان دربندمان گذشته است همه راههای قضایی و حقوقی را رفته ایم و امروز دریافته ایم که کانون اصلی تصمیم گیری در بیرون از قوه قضائیه است. علاوه بر دهها مرجع بی‌ثمر به دستگاه قضایی و امروز و فردا کردن‌ها و به این مرجع و آن مرجع پاس داده شدن‌ها و اقدامات دیگر از جمله دیدار با دیگر مسوولان و علما و مراجع و انتشار نامه‌های سرگشاده و صدور بیانیه‌ها را به انجام رساندیم و نتیجه‌ای نگرفتیم این در حالی است که خانواده‌ها از اطلاع رسانی و گفت و گو منع می‌شوند اما با توجه به محدودیت رسانه‌ای ما؛ همچنان عکس العمل در مقابل ظلم و اطلاع رسانی در مورد عزیزانمان را وظیفه خود می‌دانیم. امروز که ما از دادخواهی که طبق قانون اساسی و شرع حق شهروندان است مایوس شده ایم، حجت بر ما و مسوولین تمام است و لذا خود را با تمام توان و قوا برای هر رنج و سختی در اقدامات بعدی، مهیا کرده ایم.

در این مرحله ضمن اعتراض به احکام سنگینی سیاسی و ناعادلانه برای تعدادی از مدیران و خدمتگزاران و جوانان متدین و تلاشگر اصلاح طلب و نیز ادامه دستگیری‌ها و بحرانی‌تر کردن شرایط، کمترین مطالبه مان که از حقوق اولیه ما به شمار می‌رود، خروج بازداشت‌شدگان از بلاتکلیفی و آزادی آنها و تبدیل قرار بازداشت‌ها و نیز پایان بخشیدن به روند کند رسیدگی به پرونده آزادگان دربند، اعلام می‌کنیم با توجه به اینکه طبق قانون احیای دادرسی در صورتیکه بازداشت متهم چهارماه به طول انجامید و برای متهم تعیین تکلیف نشد دادرسی موظف است متهم را آزاد کند؛ در حال حاضر بیش از چهارماه از بازداشت اغلب عزیزان ما می‌گذرد اما اراده‌های فراقانونی مانع از آزادی آنان می‌شوند. لذا ما ضمن تمنا امنیت و آرامش برای کشور چون گذشته بیش از این اجازه سوء استفاده از آرامش و متانت خود را به زیاده خواهان اقتدارگرا نمی‌دهیم تا آنان بتوانند همچنان بر فشارهای غیرقانونی و غیر حقوقی خود ادامه دهند و به حکم آیه شریفه «لَا يُجِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» (نساء/۱۴۸) و به حکم دین مقدس اسلام انظلام را حرام و تظلم را تکلیف شرعی خود می‌دانیم و اقدامات بعدی خود را آغاز خواهیم کرد.

تجمع مسالمت آمیز ما در تاریخ ششم آبان ماه برای دریافت پاسخ، اولین اقدام ما خواهد بود که باهدف اتمام حجت برای آزادی عزیزانمان انجام خواهد شد. و اگر مسوولین همچنان تظاهر به ندیدن ما و نشنیدن پیاممان که تاکنون هم گوش فلک را کر کرده است، بنمایند و به رویه‌های پیشین ادامه دهند، در گام بعدی دست به تحصن خواهیم زد که در زمان خود مکان آن را اعلام خواهیم کرد و اگر باز هم نتیجه‌ای نگرفتیم دست به اعتصاب غذای دسته جمعی می‌زنیم تا آنکه قدرت؛ چشم و گوش شان را بسته است شاید به خود آیند و همزمان در صورت بی‌پاسخ ماندن اعتراضات شکایت به نهادهای حقوق بشری و کیفری بین المللی قرار خواهیم برد. گام‌های بعدی ما در موقع خود اعلام خواهیم شد و بدین وسیله اعلام می‌کنیم که تا تمکین زورگویان بی‌مروت و انصاف به راهی از ادگان دربندمان از پای نخواهیم نشست. تا سرنوشت خود را به دست خود تغییر دهیم و تأییدش را از حضرت حق تمنا کنیم که «ان الله لایغیر ما یقوم حتی یغییرنا و بانفسهم»

### بیانیه چهارده تن از فعالان سیاسی : زندان و اعدام مردم را نمی‌ترساند هیچ راهی جز بازگشت به سوی ملت وجود ندارد



به نام خداوند جان و خرد

فرایند توسعه تمدن بشری، رسیدن به آزادی است؛ آزادی که اصول بنیادین و فراگیر آن در چارچوب حقوق بشر راهنمای تغییرات مسالمت آمیز در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی انسانها شده است. از آن جمله می‌توان از تلاشهای پیگیر بین المللی برای تعدیل و انسانی کردن اصول حقوق جزا در قوانین داخلی کشورها یاد کرد، که نخستین تجلی آن در رابطه با حذف مجازات اعدام برای نوجوانان زیر هیجده سال است. کودکان و نوجوانان در شمار گروه‌های آسیب پذیر جامعه به‌شمار آورده شده‌اند که نیازمند توجه و حمایت ویژه هستند. بدین معنی که کودک در برابر کردار خود مسئولیتی معادل انسانهای بالغ ندارد و شرایط و قلمرو مسئولیت مدنی یا کیفری نوجوان باید متناسب با رشد فکری و تجربی او و اختیارات او در شکل دادن جامعه‌ای که عضو آن است باشد. جامعه پیشرفته بین المللی با حذف اعدام نوجوانان پاسخ روشنی به این پرسش‌ها داده است.

اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و همچنین ضوابط سازمان ملل در مورد حداقل معیارهای قابل اعمال در دادرسی کودکان (قواعد بیجینگ ۱۹۸۵) و رهنمودهای سازمان ملل برای پیش گیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض ۱۹۹۰) بهترین گواه بر توجه ویژه حقوق بشر معاصر به این موضوع، یعنی لغو و حذف مجازات اعدام نوجوانان است. بسیاری از کشورها بر این مسئولیت انسانی گردن نهاده‌اند و جمهوری اسلامی نیز در شهریور ۱۳۷۰ کنوانسیون حقوق کودک را حذف و در تیرماه ۱۳۷۳ آن را تصویب کرده است. ولی از آن پس، و

بویژه در طی چهار سال گذشته، با اعدام مکرر نوجوانان زیر هیجده سال، نه تنها به نقض تعهدات بین المللی مبادرت ورزیده بلکه، از این لحاظ، رتبه اول کشورهای جهان را نیز کسب کرده است. در حالیکه جامعه جهانی در فرایند پیشرفت تمدن بشری، در مقام حذف مجازات اعدام به عنوان خشونت‌ناپسندترین نوع مجازات برآمده است و در این راستا پروتکل دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی حذف اختیاری مجازات اعدام را تجویز کرده، سازمان ملل نیز قطعنامه‌های متعددی در این راستا صادر و بیش از هفتاد کشور، از جمله برخی کشورهای اسلامی مانند قریقزستان، ترکیه و اردن، مجازات اعدام را از قوانین کیفری خود حذف نموده‌اند، جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به تعهدات بین المللی خود و به معیارهای اخلاقی و انسانی حاکم بر تمدن بشری، با بی‌پروایی به اقدامهای بیشمار و خودسرانه ادامه می‌دهد و خود را با احراز مقام دوم جهانی، آنهم پس از چین با جمعیتی ۱۷ برابر ایران، در تاریخ خشونت‌نگری یک حکومت علیه شهروندان خود جایگاه ویژه‌ای برای خود کسب نموده است. افزون بر بی‌اعتنایی نسبت به تعهدات بین المللی و ملی، سطح شگفت‌انگیز خشونت حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات برحق و مسالمت آمیز فر هیجنتگان، نواندیشان، فعالان سیاسی، زنان، دانشجویان، هنرمندان و کارگران جامعه، نشانگر چیرگی فرهنگی در درون حکومت است که به هیچ وجه با سرشت ما ایرانیان همخوانی ندارد. این رفتار که نه تنها درمان بخش رویدادهای پیش آمده نیست، بلکه گسست میان حکومت و مردم را بیش از پیش نمایش داده و چهره مخدوش جمهوری اسلامی را در افکار عمومی جهانی تیره‌تر ساخته است. از سوی دیگر، در زمانی که برخی کشورهای در حال توسعه، که فقط چند سال پیش از ما عقب افتاده‌تر و فقیرتر بوده‌اند، به جرگه کشورهای پیشرفته می‌پیوندند و در تصمیم گیری‌های جهانی در چارچوب گروه بیست شرکت داده می‌شوند، کشور ایران با تمام منابع غنی، درآمد سرشار و امکانات طبیعی و اجتماعی، به ویژه جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی خود، هنوز در زمره کشورهای در حال توسعه عقب افتاده‌تر از پیش باقی مانده و با مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی و نابسامانی‌های خارجی دست به گریبان است.

فضای نظامی امنیتی حاکم بر جامعه موجب تشدید نارسایی‌های مورد بحث شده، ابهامات و ندانم بکاریها و ستیزگری‌های نابخردانه در سیاست خارجی سبب گردیده که نه تنها کشور هزینه‌های سنگین ناشی از آن را متحمل شود، بلکه فرصت‌های پیش آمده را یکی پس از دیگری از دست بدهد و به منظور خنثی نمودن فشارها و محدودیت‌های وارده از سوی جامعه جهانی باجهای سنگین تری به این با آن قدرت بدهد و در نتیجه قدرت مانور و آزادی عمل خود را بشدت محدود سازد. بدیهی است که برای رفع دشواری‌هایی که مردم ایران سی سال است با آن دست به گریبان بوده و اکنون حاکمیت را هم در بن بست بی‌خطرناک گرفتار ساخته است، هیچ راهی جز بازگشت بسوی ملت و پذیرش خواسته‌های مردم که محترم شمردن آزادی‌های اساسی و پایبندی به حاکمیت ملی و قانون وجود ندارد. بی‌تردید، نخستین گام در این راه، آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عیدتی، لغو مجازات اعدام و قوانین غیر انسانی و محدود کننده حقوق شهروندی و بالاخره استقرار نظام مردم سالار عاری از هرگونه تبعیض، و رفع و نفی هرگونه مبنای قدسیه در رابطه با اداره امور کشور و جامعه است. ما هشدار می‌دهیم که هیچ راهی بجز تمکین به خواست مردم در یک تفاهم مسالمت آمیز و خردمندانه در پیش رو نیست. فقط در این صورت است که می‌توان به جلوگیری از فاجعه ملی پیش رو و جبران توقفهای پیش آمده و خیزش بسوی جلو امیدوار بود.

عباس امیرانظام، هرمیداس باوند، عیسی خان حاتمی، علی حاج قاسمی، حمیدرضا خادم، محمدعلی دادخواه، جمال درودی، آرش رحمانی، اشکان رضوی، کورش زعیم، خسرو سیف، شصت الله طبرزدی، حسین مجتهدی، علی اکبر معین فر.



## میانجیگری اردوغان

نخست وزیر ترکیه با هیاتی ۲۰ نفره امروز راهی تهران خواهد شد تا در مورد انرژی و افزایش مبادلات تجاری با مقامات ایرانی گفت و گو کند، اما بسیاری بر این نظرند که اردوغان احتمالاً مجدداً در مورد میانجیگری بین ایران و امریکا در سفرش به ایران رایزنی خواهد کرد.

این گمانه از آنجا تقویت شده که نخست وزیر ترکیه بلافاصله پس از پایان سفرش به تهران به دعوت باراک اوباما راهی امریکا خواهد شد و از سوی دیگر چند روز قبل نیز یک بار دیگر طی مصاحبه بی برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن اعلام آمادگی کرده بود.

در همین ارتباط روزنامه نیویورک تایمز نیز در آستانه سفر اردوغان خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه نخست وزیر ترکیه برای میانجیگری بین ایران و امریکا آماده است.

## سخن رهبر از زبان باهنر

باهنر که نزدیک بیست سال است ریاست تشکل محافظه کار جامعه اسلامی مهندسین را بر عهده دارد، در نشست شنبه گذشته این انجمن از "مخالفت رهبر جمهوری اسلامی و شورای عالی امنیت ملی با مذاکره مستقیم با امریکا" پرده برداری کرد.

باهنر این خبر را با این عبارات بیان داشت: "مذاکره مستقیم با امریکا از جمله مسائل استراتژیک نظام است که مقام معظم رهبری و شورای عالی امنیت ملی در حال حاضر با آن مخالف هستند".

سخنان وی بلافاصله در صدر رسانه های داخلی و بین المللی قرار گرفت و دبروز نیز از سوی وزیر خارجه دولت محمود احمدی نژاد با این جمله که "ما هم همان نظر آقای باهنر را قبول داریم"، رسمیت یافت. این مخالفت در حالی از مجاری غیر رسمی اعلام شده است که سعید جلیلی، نماینده آیت الله خامنه ای در شورای عالی امنیت ملی در حاشیه مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران که ماه گذشته در ژنو برگزار شد، با ویلیام برنز نماینده امریکا در این مذاکرات و معاون وزیر خارجه این کشور، ناهار صرف کرده و به طور "مستقیم" دیدار و گفت و گو کرده بود.

جلیلی دبیر همان نهادی است که محمد رضا باهنر نام آن را در کنار نام آیت الله خامنه ای به عنوان "عالی ترین مراجع تصمیم گیری در خصوص مسائل استراتژیک نظام" قرار داده و تاکید کرده که این "مقام" و آن "نهاد" با مذاکره مستقیم با امریکا مخالفند. در کنار این ابراز مخالفت غیر رسمی آیت الله خامنه ای - که معمولاً دیدگاه هایش از سوی دفتر وی به رسانه ها ابلاغ می شود- سعید جلیلی نیز دبروز در مراسمی به مناسبت حوادث اخیر سیستان و بلوچستان در مدرسه علوی تهران از "نگاه متفاوت ایران و امریکا به مقوله امنیت" سخن گفت تا تأییدی دیگر بر اخباری باشد از پیچیدگی وضعیت پرونده هسته ای و دورنمای مبهم روابط ایران و امریکا حکایت دارند. اما همانطور که ایلنا گزارش داده، منوچهر متکی با وجود تأیید خبر باهنر، از پاسخ در مورد واکنش دولت احمدی نژاد به آن خودداری کرده و به نوشته ایلنا حتی بازدید از نمایشگاه مطبوعات را نا تمام گذاشته است.

محمود احمدی نژاد نیز خود، شب قبل از روزی که باهنر از مخالفت اصولی رهبر ایران و شورای عالی امنیت ملی برای مذاکره مستقیم با امریکا پرده بردارد، در جمع افرادی که ایسنا از آنها با عنوان "اجتماع گروه های جهادی" نام برده است، بدون اشاره مستقیم به امریکا، سیاست خارجی ایران را "جهادی" دانسته و گفته بود: "در دوران اخیر نیز مشاهده کردیم که اگر با روحیه غیرجهادی در مناسبات بخواهیم وارد شویم، مستکبرین طمعکار می خواهند تا داخل خانه ما بیایند و هیچ شان و جایگاهی برای ما قائل نمی شوند". احمدی نژاد در حالی از "سیاست خارجی جهادی" سخن می گوید که تا کنون دو نامه به روسای جمهور سابق و کنونی امریکا نوشته و در اولین سال ریاست جمهوری اش، سفرای ایران و امریکا برای اولین بار پس از سی سال به طور رو در رو با یکدیگر دیدار داشتند. همچنین وی هفته گذشته از تمایل ایران برای تامین سوخت نیروگاه هسته ای ایران از امریکا سخن گفته بود. همزمان، خبر مخالفت آیت الله خامنه ای با مذاکره مستقیم با امریکا، شایعه تمایل ترکیه برای ایفای نقش میانجی میان ایران و امریکا را، با وجود سفر غیر منتظره اردوغان به تهران از اعتبار انداخته است.

ایلنا دبروز گزارش داد که یک منبع آگاه در سفارت ترکیه در تهران نسبت به میانجیگری ترکیه میان ایران و امریکا اظهار بی اطلاعی کرده و گفته است که "ما از این مساله اطلاع نداریم".

شاید دلیل اصلی بروز شایعاتی مبنی بر تمایل ترکیه به میانجیگری میان ایران و امریکا، مقصد بعدی او پس از دو روز اقامت در تهران باشد: اردوغان تهران را به مقصد واشنگتن ترک خواهد کرد و با باراک اوباما دیدار خواهد داشت.

برخی ناظران سیاسی بر این باورند که بر خلاف اخباری که مدام از "مثبت بودن نشست ژنو" در زمان برگزاری مذاکرات منتشر می شد، کماکان ایران و امریکا را دایره وسیعی از بی اعتمادی و پیشینه خصمانه احاطه کرده است و اخبار اخیر نیز تنها تأیید مجددی بر ادامه وضعیت مبهم سیاست خارجی ایران است.

ایران که به واسطه پافشاری بر مواضع هسته ای یا همان "سیاست خارجی جهادی" خود، تا کنون سه بار در شورای امنیت سازمان ملل محکوم شده و به تبع آن تحریم های دشوار مالی و اقتصادی را تحمل می کند. تحریم هایی که شاید خبر باهنر و چرخش لحن احمدی نژاد حاکی از احتمال تشدید آنها در آیند.

## حرفهای لیلی پورزند: روزنامه نگار ۷۸ ساله زندانی در وطن



سیامک پورزند، روزنامه نگار ۷۸ ساله و یکی از قربانیان پروژه های اعتراضی دستگاه های امنیتی ایران، هفته گذشته به دلیل وخامت حالش در بیمارستانی در تهران بستری شد.

لیلی پورزند، یکی از دو دختر آقای پورزند که در کانادا اقامت دارد، در گفت و گو با رادیو فردا، با اعلام خبر مرخص شدن پدرش از بیمارستان، به پرسش هایی در مورد وضعیت وی پاسخ گفته است.

رادیو فردا: خانم پورزند، آخرین وضعیت جسمی پدرتان پس از ترخیص از بیمارستان چگونه است؟

لیلی پورزند: مرخص شدن ایشان به این معنی نیست که در وضعیت مناسبی به سر می برد، بلکه به این معناست که کار بیشتری نمی توان انجام داد.

وضعیت جسمی ایشان مانند هر انسان سالخورده ۸۰ ساله ای مناسب نیست و از بیماری های متعددی رنج می برد که هر کدام مزید دیگری شده است. مهم ترین مسئله افسردگی، تنهایی و مشکلات روحی و روانی است که در طی سال ها شکنجه و سلول انفرادی گریبانگیر ایشان شده و سپس آزادی که معلوم نیست به چه عنوان و با چه سرنوشتی همراه است، زندگی را می گذارند و همراهی های مردم و دوستان ایشان را سر پا نگهداشته است.

هنوز اتهاماتی وجود دارد که آقای پورزند باید به آنها پاسخگو باشد یا جواب قطعی گرفته است؟

تا جایی که ما از پرونده ایشان خبر داریم، حکم ۱۱ ساله ای برایشان صادر شده و اکنون هشت سال از آن سپری شده است.

حتی اگر فرض را بر نگاه کار بودن او بگذاریم، شخصی در چنین سن سالخورده ای باید مشمول عفو شود، ولی هرگز مورد عفو قرار نگرفته و به دلیل همین محکومیت هم ممنوع الخروج است و هر چه ما تلاش کردیم از طرق انسان دوستانه از ایشان رفع ممنوعیت به عمل آوریم، تا امروز این لطف شامل حال این مرد سالخورده نشده است. در دوران دادگاه ایشان را مجبور کردند وکیل تسخیری دادگاه را انتخاب کند، بعد از آن وکلای فعال حقوق بشر تلاش کردند اجازه خروج ایشان از کشور را از نهادهای قانونی بگیرند که متأسفانه همگی با جواب منفی روبه رو شدند.

شما به عنوان خانواده آقای سیامک پورزند چرا به ایران نمی روید تا از او پرستاری کنید. آیا مشکل خاصی برای رفتن شما به ایران وجود دارد؟

بعد از اینکه پدرمان ناپدید شد و هیچ اطلاعی از سرنوشت او نداشتیم و حتی نمی دانستیم زنده است یا مرده، مجبور شدیم به رسانه ها و نهادهای بین المللی حقوق بشری متوسل شویم، به همین دلیل در ایران برای ما پرونده سازی کردند و از بازگشتن به ایران منع شدیم.

من و خواهر کوچکترم چند بار تقاضا کردیم و حتی به صورت لفظی از مقامات مختلف جمهوری اسلامی در زمان آقای خاتمی و بعد هم در زمان آقای احمدی نژاد امان نامه خواستیم. حتی مادرم شخصاً به آقای احمدی نژاد نامه ای نوشت و خواست یکی از اعضای خانواده بتواند به ایران بازگردد و از این پیرمرد پرستاری کند، ولی تا امروز نه او توانسته اجازه خروج بگیرد و نه ما توانستیم اجازه ورود به سلامت به ایران را بگیریم تا دستگیر نشده و به ناکجا آباد فرستاده نشویم.

## دوره جدید وقت کشی اتمی جمهوری اسلامی

محمد رضا باهنر، نایب رئیس محافظه کار مجلس، برای دومین بار در سه ماه گذشته خبری غیر رسمی را به نقل از آیت الله خامنه ای منتشر کرد.

خبر اول، درباره تاکید رهبری برای همکاری مجلس با احمدی نژاد در ماجرای اخذ رای اعتماد کابینه بود و خبر اخیر، دیدگاه او را در مورد مذاکره مستقیم با امریکا اعلام می کرد.

روزنامه اعتماد چند ساعت به آغاز سفر دوازده روزه رجب طیب اردوغان به تهران از

احتمال میانجیگری ترکیه میان ایران و امریکا صحبت به میان آورد.

شبکه تلویزیونی العالم وابسته به رادیو و تلویزیون دولتی ایران، از قول یک مقام ایرانی خبر داد که جمهوری اسلامی با چارچوب کلی پیش نویس توافق نامه وین موافق است.

به گفته این «مقام آگاه ایرانی» «که شبکه العالم نامی از او نبرده است، ایران با چارچوب کلی این پیش نویس موافقت خواهد کرد، «اما خواستار انجام اصلاحات مهمی در آن است».

کارشناسان آشنا با سیاست جمهوری اسلامی، با استناد به مطالب بالا از مرحله جدید وقت کشی در مساله اتمی خبر می دهند.



## راههای سبز

### علی لاریجانی: فریب برادری

رئیس مجلس ایران ضمن مخالفت با خروج ذخیره اورانیوم غنی شده از این کشور، طرف های غربی مذاکره با ایران را به تلاش برای فریب این کشور متهم کرد. علی لاریجانی که خود در زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بود مسئولیت مذاکرات هسته ای این کشور را به عهده داشت، روز شنبه ۲ آبان (۲۴ اکتبر) به خبرگزاری ایسنا گفته است: «احساس می کنم و در سفر اخیر به ژنو هم بر اساس مذاکراتی که داشتیم این تلقی برای من بیشتر شد که غربی ها اصرار دارند به سمت نوعی فریبکاری بروند و مسائلی را به ما تحمیل کنند؛ به این معنا که مطرح کرده اند ما زمانی سوخت ۲۰ درصد را به ایران می دهیم که شما مواد غنی شده خود را به ما بدهید». رئیس مجلس ایرانی به پیشنهادی است که محمد برادری، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه ۲۹ مهر (۲۱ اکتبر) در وین به نمایندگان ایران، روسیه و فرانسه ارائه کرد و گفت که انتظار دارد این سه کشور تا روز جمعه به آن پاسخ دهند. این طرح ظاهراً بر اساس توافق روز ۹ مهر میان سعید جلیلی (مذاکره کننده ارشد هسته ای ایران) و نمایندگان گروه ۱+۵ تدوین شده است و پیشنهاد می کند که ایران ۷۰ درصد ذخیره اورانیوم غنی شده خود را برای غنی سازی بیشتر و تبدیل به سوخت قابل استفاده در راکتور تحقیقاتی تهران به روسیه و از آنجا به فرانسه بفرستد. «آمدگی داریم که مواد ۳.۵ درصد را بدهیم و آنها آن را تا ۱۹.۷۵ یا ۲۰ درصد غنی کنند و به ما تحویل دهند»

محمود احمدی نژاد - ۹ مهر ۱۳۸۸

نماینده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی روز جمعه اول آبان گفت که کشورش سخنان آقای برادری را به معنای تعیین ضرب الاجل نمی داند و پاسخ خود را به پیشنهاد او هفته آینده ارائه خواهد کرد.

اکنون آقای لاریجانی می گوید: «حس من این است که آمریکایی ها در پشت صحنه با برخی از کشورهای زرد و بندهایی دارند تا به بهانه تأمین سوخت نیروگاه اتمی، مواد غنی شده در ایران به میزان ۴ و نیم درصد را از ما بگیرند و توسط کشورهای مثل فرانسه و روسیه آن را تبدیل به میوه سوخت کنند. شاید تصور آنها این است که به این طریق این مواد غنی شده را از دست ما در آورند که امیدواریم ایرانی ها به این مسئله توجه لازم را داشته باشند».

این تردید در حالی توسط آقای لاریجانی مطرح می شود که پیشنهاد ارسال اورانیوم غنی شده به خارج از ایران برای تبدیل به سوخت، ابتدا توسط رئیس جمهوری این کشور مطرح شده بود.

محمود احمدی نژاد روز ۸ مهر، یک روز پیش از ملاقات نمایندگان ایران و گروه ۱+۵ در ژنو، در جمع خبرنگاران گفته بود که یکی از موضوعاتی که در این ملاقات مطرح خواهد شد، خرید سوخت هسته ای برای راکتور تهران است و «ما حتی آمادگی داریم که مواد ۳.۵ درصد را بدهیم و آنها آن را تا ۱۹.۷۵ یا ۲۰ درصد غنی کنند و به ما تحویل دهند».

به نظر می رسد که اهمیت این پیشنهاد و علت موافقت کشورهای غربی با طرح آقای برادری در این است که با خروج ۷۰ درصد ذخیره اورانیوم غنی شده در ایران، اورانیوم باقی مانده به اندازه ای نیست که قابل استفاده در یک برنامه نظامی احتمالی باشند.

موافق، اما....

شبکه تلویزیونی العالم وابسته به رادیو و تلویزیون دولتی ایران، روز سهشنبه از قول یک مقام ایرانی خبر داد که جمهوری اسلامی با چارچوب کلی پیش نویس توافق نامه وین موافق است.

به گفته این «مقام آگاه ایرانی» «که شبکه العالم نامی از او نبرده است، ایران با چارچوب کلی این پیش نویس موافقت خواهد کرد، اما خواستار انجام اصلاحات مهمی در آن است».

این مقام ایرانی که به جزئیات این اصلاحات اشاره ای نکرده همچنین گفته است که جمهوری اسلامی «تا ۴۸ ساعت آینده» به پیشنهادات آژانس بین المللی انرژی اتمی پاسخ خواهد داد.

در حالی که سه طرف دیگر قرارداد یعنی کشورهای روسیه و فرانسه و ایالات متحده با پیش نویس این توافق نامه موافقت کرده اند، ایران روز جمعه گذشته به جای ارائه پاسخ خود خواستار تمدید وقت تا اواسط هفته جاری شد.

بر اساس پیش نویس توافق نامه ای که مدیرکل آژانس انرژی اتمی چهارشنبه گذشته به چهار طرف مذاکرات وین تحویل داد، جمهوری اسلامی می پذیرد که حدود ۷۵ درصد از یک و نیم تن اورانیوم کم غنی شده خود را برای غنی سازی بیشتر به روسیه بفرستد و در پایان سوخت اتمی خود را از فرانسه تحویل بگیرد.

خبر موافقت جمهوری اسلامی با پیش نویس آژانس انرژی اتمی یک روز پس از آن منتشر می شود که وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ از تعلل و وقت کشی ایران در ارائه پاسخ صریح و روشن به این پیش نویس ابراز نارضایتی کردند.

منوچهر متکی، وزیر خارجه ایران، روز دوشنبه در اولین اشاره رسمی تهران به این توافق نامه، گفته بود که ایران «احتمالاً» این پیش نویس را تأیید خواهد کرد.

آقای متکی به خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، گفت: «ایران در حال بررسی دو گزینه است که یا سوخت مورد نیاز راکتور اتمی تهران را مانند دفعات قبیل بخرد یا بخشی از اورانیوم غنی شده موجود در ایران را بدهد و در مقابل سوخت دریافت کند.» اما وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا دوشنبه شب در زمان مذاکرات خود درباره ایران تأکید کردند که جمهوری اسلامی باید به این پیش نویس «پاسخ روشن بدهد».

ژان آسلبورن، وزیر خارجه لوکزامبورگ، در این باره هشدار داد که «ایران نمی تواند مدام با ما بازی کند. ما در این مورد از ایران پاسخی روشن و جدی می خواهیم.» کشورهای غربی با حمایت از پیش نویس توافق پیشنهادی آژانس بین المللی انرژی اتمی امیدوارند که با خروج بخش عمده ای از ذخایر اورانیوم ایران نگرانی ها از تلاش احتمالی تهران برای دستیابی به بمب هسته ای کاهش یابد. جمهوری اسلامی ایران با رد قصد ساخت سلاح اتمی گفته است که برنامه هسته ای اش با اهداف صلح آمیز دنبال می شود.

### ماجرای شهرام امیری و لو رفتن سایت مخفی غنی سازی قم

#### جنگ سازمانهای امنیتی جمهوری اسلامی

##### @ سهراب سهرابی

اولین بار در دهه ۷۰ و همزمان با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، جنگ اطلاعاتی بین ارگانهای امنیتی جمهوری اسلامی شکل گرفت و وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه در یک رویارویی خصمانه وارد نبرد با یکدیگر شدند.

برنده این جنگ، سرویسهای اطلاعاتی غربی بودند که ناب ترین اطلاعات را مفت و مجانی بدست می آوردند. در این جنگ هر دو طرف تلاش می کرد تا اصرار بیشتری را از طرف مقابل در اختیار سرویسهای غربی گذاشته و از این طریق تشکیلات رقیب را بیعرضه و ضعیف نشان دهند. وزارت اطلاعات در اختیار هاشمی قرار داشت و وی که همواره مخالف ورود سپاه به صحنه سیاست و مدیریت کشور بود، در صدد برآمد تا با تمرکز امور امنیتی در دست وزارت، اطلاعات سپاه را در حد یک اطلاعات نظامی، همانند رکن دوم ارتش، محدود نموده و مانع از دخالت نظامیان در سیاست گردد.

سپاه برای اینکه از کارهای دولت سر درآورده و از آنچه در درون وزارتخانه ها در داخل کشور و در درون سفارتخانه ها در خارج از کشور می گذرد مطلع شود، نیاز به اطلاعات داشت. رهبر نیز پس از منتهی احساس کرد که جریان اطلاعات بتدریج از دستش خارج شده و او نیز بدون اطلاعات، فاقد قدرت خواهد بود. سپاه با حمایت رهبر نیروی قدس را تشکیل داد که مأموریتش برون مرزی بود و به همین بهانه اقدام به ایجاد پایگاههای اطلاعاتی در خارج از کشور نموده و در عین حال با مجوز رهبری اقدام به واردات سیستمهای شنود نمود تا بتواند مکالمات دولت و وزارت اطلاعات را گوش کند.

وزارت اطلاعات در مقابل، این اقدامات را غیرقانونی و بر خلاف اصول قانون اساسی می دانست و از فعالیتهای سپاه در حد امکان جلوگیری می کرد. از دید رئیس جمهور و وزارت اطلاعات، سپاه نیروی مسلحی بود که شرح وظایف مشخصی داشت و ورود به حیطه های امنیتی جزو این شرح وظایف نبود. رهبر برای اینکه بتواند قانون را دور بزند، با بکارگیری عناصر تصفیه شده وزارت اطلاعات، اقدام به تشکیل اطلاعات موازی، تحت عنوان «دفتر اطلاعات رهبری» نمود. این دفتر بیشتر پوششی بود برای اقدامات فراقانونی سپاه و هر گاه که سپاه برای پیشبرد کارهایش به مانع برمی خورد، آنرا تحت پوشش دفتر اطلاعات رهبری انجام می داد و به این ترتیب وزارت اطلاعات قدرت هرگونه ایستادگی و مقاومت را از دست می داد.

وزارت اطلاعات در این مقطع بطور پنهانی و بسیار آرام، شروع به لو دادن تشکیلات مخفی سپاه در خارج از کشور نمود تا به این ترتیب ضمن کارشکنی در موفقیت آنها، شایستگی تشکیلات سپاه در امور امنیتی را نیز زیر سوال ببرد. سپاه نیز مقابله به مثل نموده و بسیاری از تشکیلات وزارت اطلاعات در خارج از کشور را لو داد که نتیجه آن در برخی موارد پنهان شدن افسران اطلاعاتی وزارت اطلاعات به کشورهای اروپایی بود. زیرا آنها از بازگشت به ایران و تحمل عواقب لو رفتن، وحشت داشتند. این جنگ داخلی پس از مدتی با کوتاه آمدن وزارت اطلاعات فروکش نمود. در دوران خاتمی وزارت اطلاعات بطور کلی غریبه محسوب می شد و به همین دلیل بشدت تضعیف شد و بسیاری از وظایف آن به سپاه واگذار شد. در حقیقت وقوع تقلب طراحی شده انتخاباتی در سال ۸۴ و روی کار آوردن احمدی نژاد بعنوان کاندیدای سپاه، حاصل شکست اطلاعاتی وزارت اطلاعات از اطلاعات سپاه بود. در دوران ۴ ساله دولت نهم، تلاش زیادی برای تغییر ساختار وزارت اطلاعات صورت گرفت ولی همه این تلاشها ناکام بود. کینه از اقدامهای فراقانونی سپاه و تلاش برای حذف تدریجی وزارت اطلاعات از عرصه های امنیتی، چنان در بدنه و مدیران ارشد وزارت اطلاعات شدید بود که با تغییر وزیر و چند معاون وزیر، حکومت نمیتوانست به نتیجه مطلوب خود برسد. دلیل عمده حمایت وسیع پرسنل وزارت اطلاعات از میرحسین در انتخابات اخیر، امید به تغییر در روند انحصار قدرت توسط سپاه بود، در عین حال که وزارت اطلاعات بخوبی میدانست با اینکار در جهت مخالف رهبری حرکت می کند. مخالفت وزارت اطلاعات با روند موجود در حکومت و مسلط شدن نظامیان بر امور کشور، به پشتوانه اطلاعات مستند و گسترده ای بود که وزارت از فساد شدید مالی در سپاه و حیف و میل های کلان آنها در فروش نفت و پروژه های استراتژیک داشت. سپاه در اثر آلودگی های مالی، از یک نیروی انقلابی پاسدار ارزشهای انقلاب، به یک گروه مافیایی کثیف پول پرست و قدرت پرست تبدیل شده بود که از همه امکانات خود برای کسب ثروت و قدرت بیشتر سود میبرد و در این راه پایبند هیچ قاعده و روشی نبود.

وزارت اطلاعات خیلی زود ثمره مخالفتش با باند سپاه و احمدی نژاد را چشید و بنا به فرمان رهبر، وزیر اطلاعات و برخی معاونین وی توسط احمدی نژاد برکنار شده و طرح تسویه گسترده وزارت اطلاعات در دستور کار قرار گرفت.





## راههای سبز

### اعتراض هر سه شبانه

دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز که از آغاز سال تحصیلی تاکنون هر سه‌شنبه با برپایی تجمعی مسالمت‌آمیز، اعتراض خود را به دولت دهم و وقایع پس از انتخابات نشان می‌دادند، با احکام سنگین و بی سابقه‌ی کمیته انضباطی مواجه شدند.

به گزارش خبرگزاری هرانا، هفت نفر از دانشجویان واحد تهران مرکز با احکام سه ترم منع موقت از تحصیل با احتساب سنوات و ده تن دیگر نیز با احکام دو ترم تعلیق از تحصیل با احتساب سنوات مواجه شدند.

این احکام در حالی صادر شده‌اند که طبق آیین‌نامه کمیته‌های انضباطی، صدور بیش از دو ترم منع موقت از تحصیل در صلاحیت کمیته‌های بدوی انضباطی نیست.

هم چنین صدور این احکام برای دانشجویان در حالی صورت می‌گیرد که تاریخ صدور احکام مربوط به روز 29 مهرماه سال جاری است که در ایران تعطیل رسمی بوده است. همچنین این احکام فاقد هرگونه مهر و امضای شناخته شده هستند و شماره دانشجویی ذکر شده در آن با نام دانشجو تطابق ندارد.

گفته می‌شود، این احکام، برای شماری از دانشجویانی که در هیچ یک از تجمعات حضور نداشته‌اند، نیز صادر شده است.

سومین تجمع مسالمت‌آمیز دانشجویان در دانشکده فنی، در روز 21 مهرماه سال جاری با حمله نیروهای بسیجی مجهز به باتوم، شوکر الکتریکی، زنجیر، اسپری فلفل و گاز اشک آور به خشونت کشیده شد.

حراست دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز، سایر دانشجویان را جهت اخذ اعتراف مکتوب علیه فعالان دانشجویی زیر فشار قرار داده است و دانشجویان را تهدید کرده است که در صورت عدم همکاری با آنان برخورد خواهد شد.

همچنین حراست دانشگاه در تماس با خانواده‌های دانشجویان اقدام به تهدید آنان نموده است.

از سوی دیگر، بیش از هفت نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد کرج که هفته گذشته و هم‌زمان با چهارمین تجمع اعتراضی دانشجویان واحد تهران مرکز و در حمایت از آن‌ها تجمع کرده بودند، نیز به کمیته انضباطی احضار شدند و احتمال صدور احکام مشابه برای آن‌ها نیز وجود دارد.

لازم به ذکر است که صدور چنین احکام سنگینی از زمان تاسیس دانشگاه آزاد تا کنون بی سابقه بوده است.

گفتنی است دانشجویانی که در دانشگاه آزاد با احکام تعلیق مواجه می‌شوند، علی‌رغم محرومیت از تحصیل، بایستی شهریه ثابت تحصیلی خود را بپردازند.

### قتل سه تن در منطقه‌ی ماوانه‌ی ارومیه توسط نیروهای اطلاعات

در طی هفته گذشته نیروهای اداره‌ی اطلاعات شهر ارومیه در منطقه‌ی ماوانه از توابع این شهر یک ماشین سواری را به عنوان اینکه حامل دو تن از اعضای یکی از احزاب اپوزیسیون است به گلوله بسته و در نتیجه سه تن کشته شدند.

در طی هفته گذشته نیروهای اداره‌ی اطلاعات شهر ارومیه در منطقه‌ی ماوانه از توابع این شهر یک ماشین سواری را به عنوان اینکه حامل دو تن از اعضای یکی از احزاب اپوزیسیون است به گلوله بسته و در نتیجه سه تن کشته شدند.

به گزارش کمیته کردستان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در هفته گذشته نیروهای اداره اطلاعات شهر ارومیه در منطقه ماوانه‌ی این شهر یک اتومبیل حامل دو چریک کرد فاقد سلاح را به گلوله بستند که طی این حادثه علاوه بر این دو تن، یک شهروند کرد به نام فصیح قادری نیز جان خود را از دست داد.

لازم به ذکر است نیروهای امنیتی علاوه بر بی احترامی به اجساد تا کنون جنازه های جان باختگان را به خانواده های آنان تحویل نداده اند.

منبع خبر: خبرگزاری هرانا



تنها اقدام تدافعی که وزارت اطلاعات می‌توانست انجام دهد، تخریب پایه های قدرت امنیتی سپاه بود که بلافاصله پس از محرز شدن کودتا در ۲۲ خرداد، آن را شروع کرده و پرسنل آن در یک فرمان نانوشته، در حد توان خود، این مأموریت را انجام دادند.

### ماجرای شهرام امیری

ماجرای شهرام امیری، از عناصر سپاه و رئیس سایت مخفی غنی سازی قم، که به سفر حج عمره رفته و دیگر هرگز بازنگشت، نقطه اوج جنگ اطلاعاتی بین سپاه و وزارت اطلاعات بود.

سپاه در این ماجرا انگشت اتهام را بسوی وزارت اطلاعات گرفته و آنها را مسئول لو رفتن شهرام امیرمیدانست و در مقابل وزارت اطلاعات نیز سپاه را به اهمال کاری متهم می نمود. اجلاس اخیر در ژنو و ملاقات نماینده آمریکا و بلیام برنز با جلیلی، و اطلاعات دقیقی که وی از سایت مخفی قم روی میز گذاشت، نشان داد که واقعاً وزارت اطلاعات در این ماجرا نقشی نداشته است. شهرام امیری با مجموعه کاملی از اسناد و مدارک و همچنین عکس و فیلم از بیرون و داخل سایت مخفی قم، به غرب پناهنده شده است و موضوع لو دادن وی و گیر افتادنش منتفی است.

اگر شهرام امیری صرفاً برای حج عمره رفته بود دلیلی نداشت که اینهمه سند و مدرک و اطلاعات همراه خود ببرد. دقیقاً بر خلاف آنچه که حکومت ایران ادعا میکند، و برای فریب افکار عمومی اعلام می نماید که آمریکایی ها شهرام امیری را ربوده اند. البته شهرام امیری نام مستعاری است که در گذرنامه این سردار پناهنده شده سپاه درج شده

است. به هر حال در این جنگ امنیتی، در حال حاضر کفه ترازوی قدرت بشدت بفع سپاه سنگین است و علیرغم روشن شدن ضعف و خطای فاحش تشکیلات سپاه در پناهنده شدن سردار عسگری معاون سابق وزارت دفاع و شهرام امیری مسئول سایت مخفی

قم، حکومت بدلیل نیاز شدید به سپاه برای سرکوب جنبش مردم معترض ایران، تصمیم به قربانی کردن وزارت اطلاعات و بالا بردن دست سپاه بعنوان پیروز این میدان گرفته است

طرح تبدیل اطلاعات سپاه به سازمان اطلاعات، توصیه روسها است که در چندین سال گذشته بارها آنرا در گوش عالیترین مقامات حکومت زمزمه کرده و آنرا تنها راه موفقیت ایران در نبرد امنیتی با سرویسهای غربی می دانند. سازمان اطلاعات، کپی برداری از سازمان مخوف امنیتی استالین بنام چکا است.

در ژینسکی بنیانگذار سازمان مخوف چکا در مورد این تشکیلات می‌گفت: "چکا، یک دادگاه نیست، یک سازمان مسلح زیرزمینی است. ما طرفدار ترور متشکل هستیم. ما بخاطر شرائط خود ناگزیر هستیم حتی اگر گاهی لبه شمشیرمان تصادفاً بر سر بیگانه‌ی فرود آمد، از انقلاب دفاع کنیم."

نظر یک مقام عالی‌رتبه چکا در مورد این سازمان می‌تواند دورنمای آنچه در ذهن طراحان چکای جمهوری اسلامی می‌گذرد را آشکارتر نماید. وی می‌نویسد: "چکا فقط یک ارگان تحقیق و بازرسی نیست بلکه یک ارگان جنگی است، برای حزب و برای آینده. چکا بدون دادگاه نابود می‌کند و یا با زندانی کردن در اردوگاه‌ها، مجرمان را از اجتماع جدا می‌کند. حرف چکا، قانون است. محدوده کار چکا باید تمام زندگی عمومی را در بر

بگیرد. موقع بازجویی بدنبال مدرک یا اثبات جرم متهم نباش. اولین سئوالی که باید از متهم بکنی این است که او از چه طبقه اجتماعی است، چه تحصیلاتی دارد، چه نوع تربیتی دارد و اصلیت و حرفه اش چیست. این سئوالها باید سرنوشت متهم را

تعین کنند. این معنا و جوهر وحشت سرخ است. چکا در مورد دشمن قضاوت نمی‌کند بلکه به دشمن ضربه می‌زند. چکا هیچ رحم و عطوفتی نشان نمی‌دهد بلکه هر کسی را که در آن سوی سنگر، سلاح بدست گرفته باشد و یا مورد استفاده ما نتواند باشد را خاکستر می‌کند."

سرداران سپاه نیز اکنون بی‌صبرانه طرح سازمان اطلاعات یا همان چکای جمهوری اسلامی را دنبال می‌کنند.





سران نظامی ایالات متحده در گذشته بی میلی خود را نسبت به اعمال زور در از بین بردن خطر گسترش هسته ای ایران اعلام کرده بودند. با این حال، تنش های میان غرب و ایران که ماه گذشته با بر ملا شدن وجود کارخانه جدید در نزدیکی قم تشدید شد می تواند سرنوشت این پرونده را به شکل دیگری رقم بزند. تاکتیک مخفی کردن تأسیسات حساس در زیر زمین یکی از راهکارهای کره شمالی نیز به حساب می آید.

### شصت متر

بمب جدید پنتاگون که توسط شرکت بوئینگ ساخته شده، قادر است قبل از انفجار تا عمق ۶۰ متری در زمین های سخت نفوذ کند و خود را به اهداف پوشیده شده از بتون آرمه برساند. این ماشین انفجاری دارای طولی معادل ۶ ممیز ۲ متر و قطر ۸۰ سانتیمتر می باشد. بمب افکن های B-2 و B-52 هر دو قادرند این بمب را حمل کنند.

پنتاگون در تابستان سال ۲۰۰۶ این بمب را در صحرای نوادا با مقدار بی سابقه ای از نیترات آمونیوم آزمایش کرد. هدف از این آزمایش بررسی قدرت نفوذ این بمب به اهداف زیرزمینی بود. با این همه، امروزه دیده می شود که ایجاد تأسیسات زیرزمینی و بهره برداری از آن بیشتر از تولید بمب های کارآمد و انهدام این تأسیسات کاربرد دارد.



**نامه پدر انور حسین پناهی به بان کی مون :**

### به داد ما برسید

محمد حسین پناهی پدر انور حسین پناهی زندانی عقیدتی دربند طی نامه ای سرگشاده خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد از رنج و فشارهای روزافزون بر خود و خانواده اش سخن گفته است، متن این نامه عیناً در پی می آید :

جناب آقای بان کی مون

دبیر کل سازمان ملل متحد

اینجانب محمد حسین پناهی پدر انور حسین پناهی فعال مدنی ایرانی هستم که دو سال قبل به جرمی ناکرده محکوم به اعدام شد! اما به واسطه ی حمایت های بین المللی نهادهای حقوق بشری و همین طور اتحادیه ی اروپا از پسر حکم اعدام وی در دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی لغو و به شش سال زندان تبدیل شد. در همین حال برادر کوچکتر انور به نام اشرف نیز که تنها پی گیر پرونده به شمار می آمد سال گذشته به طرز مشکوکی به قتل رسید.

از سوی دیگر ماموران وزارت اطلاعات حکومت جمهوری اسلامی در هفته ی گذشته پسر هجده ساله من را نیز به خاطر دنبال کردن پرونده ی انور و نه اتهام دیگری در منزل بازداشت کرده و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.

اینها همه در حالی رخ داده که بارها و بارها من که در آستانه ی هفتاد سالگی قرار دارم و همسر و حتی دخترانم به اداره ی اطلاعات فرخوانده شدیم و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته ایم.

عالی جناب

پرسش من از جنابعالی به عنوان دبیر کل سازمان ملل متحد آن است که در کجای دنیا فردی را به خاطر فعالیت های فرد دیگر دستگیر می کنند؟

تمام اتهام من، همسر، دختران و پسرانم که در ایران هستیم این است که دو فرزندم به خاطر اعتقاداتی که داشتند در راه مبارزه ی سیاسی با حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و برای ادامه ی فعالیت هایشان در خارج از ایران زندگی می کنند. در این شرایط و با فرض اینکه دو فرزندم خطایی هم مرتکب شده باشند آیا می شود دیگر اعضای خانواده را محاکمه و مجازات کرد؟

حال در این شرایط سخت که بر من و خانواده ام روا داشته اند ما فریاد مظلومیت و داد خواهی خود را به گوش شما می رسانیم، چرا که بر این باوریم سازمان ملل متحد با سیاست هایی که دارد همواره جانب کسانی را داشته که از بیداد به تنگ آمده و به این نهاد بین المللی پناه آورده اند.

باشد تا این ندای مظلومیت من و خانواده ام که در چند سال اخیر لحظه ای آرامش و آسایش را به خود ندیده ایم به گوش جهانیان برسد.

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

## اعتراض دانشجویی به تفکیک جنسیتی در دانشگاه یاسوج

**دومین تحصن دانشجویی پس از شروع سال تحصیلی در دانشگاه یاسوج در اعتراض به تفکیک جنسی سرویسهای ایاب و ذهاب صورت گرفت.**

دومین تحصن دانشجویی پس از شروع سال تحصیلی در دانشگاه یاسوج در اعتراض به تفکیک جنسی سرویسهای ایاب و ذهاب صورت گرفت. به گزارش هرانا به نقل از واحد دانشجویی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هفته گذشته در پی مشاهده تفکیک جنسیتی سرویس های حمل و نقل دانشگاه از طریق نصب کاغذهایی با عنوان "سرویس خواهران" و "سرویس برادران" در اتوبوس های خط واحد دانشگاه، دانشجویان با تجمعی خودجوش مانع از فعالیت این اتوبوس ها شده و نهایتاً پس از دو ساعت سرویسها با قبول خواست دانشجویان طبق روال سابق اقدام به جابجایی دانشجویان کردند. روز جاری با مشاهده اقدام مجدد دانشگاه و اصرار بر تفکیک جنسی سرویس های حمل و نقل نزدیک به 500 تن از دانشجویان طی یک اقدام خودجوش با ایجاد تجمع اعتراضی و سر دادن شعارهایی همچون "تبعیض جنسیتها توهین به شخصیتها" و یا "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد" اعتراض خود را نسبت به این رفتار هیات ریسه دانشگاه ابراز و خواستار برگشتن اوضاع به روال سابق شدند. گفتنی است دانشجویان معترض اعلام کرده اند تا رسیدن به حقوق خود به اعتراض ادامه خواهند داد.

### تحلیل آ ب ث از یک سیستم جدید آمریکایی

### بمبی برای نفوذی در تأسیسات زیر زمینی



پنتاگون به تولید بمب های غیراتمی خود که توان انهدام بیشتری دارند سرعت بخشیده. این بمب ها که ۱۵ تن وزن دارند، صرفاً برای انهدام بانکرها و تأسیسات زیرزمینی طراحی شده اند. پنتاگون در طرح بازدارنده خود که تحت عنوان "طرح B" شناخته می شود، تصمیم گرفته تولید این بمب ها را که در نوع خود بزرگ ترین بمب در زرادخانه های غیراتمی آمریکا محسوب می شود تسریع کند. این بمب جدید عظیم الجثه که به کمک ماهواره هدایت می شود، در فرهنگنامه نظامی تحت عنوان MOP [نفوذی هدایت شونده گول پیکر] شناخته می شود و در آن ۲۴۰۰ کیلوگرم مواد منفجره پیشرفته به کار گرفته شده. براساس برآوردهای انجام شده، قدرت انهدام و تخریب این مدل ۱۰ برابر از مدل BLU-109 که قرار است جایگزین آن شود بیشتر است. وزارت دفاع ۵۲ میلیون دلار بودجه برای دستیابی به این "ماشین تخریب گر" اختصاص داده تا آن را روی بمب افکن های B-2 خود که می توانند از دید رادار مخفی بمانند سوار کند. این بمب که تولید آن از زمان بوش آغاز شده، براساس برنامه زمانی واشنگتن قرار است از تابستان سال آینده در تجهیزات نیروی هوایی ایالات متحده به کار گرفته شود.

### اولویت فوری

مسئولان پنتاگون معتقدند که این بمب جدید توانایی انهدام تأسیسات بتونی زیرزمینی، مانند تأسیسات هسته ای ایران را دارد. جف مورل، سخنگوی رسمی وزارت دفاع، در این رابطه اظهار داشت: "این بمب در حقیقت یکی از گزینه های نظامی است که وجود آن در زرادخانه ما و در جهانی که در آن زندگی می کنیم، جزو ضروریات است."

دولت اوباما بدون اینکه گزینه نظامی را در برنامه هسته ای ایران رد کند، تاکنون بر لزوم انجام مذاکرات و اتخاذ شیوه های دیپلماتیک اصرار ورزیده. این درحالی است که در صورت شکست مذاکرات هسته ای، تنها گزینه فوری تشدید تحریم های سازمان ملل علیه حکومت دین سالار تهران است.

## اردوغان در نقش برادر بزرگتر رضا تقی زاده



دیدار اردوغان از تهران، مهم‌ترین بخش از سفر چند روزه‌ای است که نخست‌وزیر اسلامگرای ترکیه از اسلام آباد آغاز کرده و قرار است در واشنگتن به پایان برسد.

اردوغان طی سال‌های اخیر با پیروی از سیاست خارجی تازه صیقل خورده‌ای که در آن بیش از هر وجه دیگری، استقلال رأی، عدالت عملی و تکیه بر مصالح ملی ترکیه محسوس است، نه تنها به عنوان دولتمردی برجسته در جمع رهبران جهان جایگاهی شاخص یافته، که همچنین کشور متبوع خود را در مرکز تمامی تحولات منطقه نیز قرار داده است.

ترکیه با اردوغان تدریجاً اعتماد به نفس بیشتری در جمع کشورهای جهان به دست آورده است. مانند گذشته مردم ترکیه خود را مجبور به پوشاندن بخش‌های فقیرتر جامعه و نمایش فرنگی شدن و غرب زدگی نمی‌بینند. ترکیه اینک خود را یافته، دوران انتقال را پشت سر نهاده و از شرایط عقب‌ماندگی به آغاز دوران رشد پایدار رسیده است.

بعد از پشت سر نهادن چند دهه دشوار اقتصادی که طی آن بازمانده امپراطوری عثمانی به عنوان «مرد بیمار اروپا» شهرت یافته بود، ترکیه، امروز یکی از ۲۰ قدرت بزرگ اقتصادی دنیا به شمار می‌رود.

گذر از مرحله تکیه بر غرور ملی با کفش‌های پاره، برای ترکیه، با تغییر در تعریف قدرت آغاز شد. در ترکیه مدرن، مفهوم قدرت، متفاوت با تعاریف دهه شصت شد و بیشتر از هر عامل دیگری متکی بر رشد ارتباطات و توسعه پایدار اقتصادی است.

شاید اگر ترکیه با هدف اعتلای غرور تو خالی ملی در پانزده جولای سال ۱۹۷۴ به شمال قبرس هجوم نظامی نمی‌برد، دو دهه قبل از این، و شانه به شانه اسپانیا در مسیر رشد اقتصادی قرار می‌گرفت.

با درک این اشتباه تاریخی، ترکیه از راه عادی سازی روابط خارجی خود و تکیه بر توسعه اقتصادی پایدار نه تنها مرحله تجربه تورم نجومی سالانه را پشت سر نهاد که اینک با درآمد ارزی سالانه بالغ بر ۱۱۰ میلیارد دلار و به عنوان عضو گروه ۲۰، در ردیف قدرت‌های شناخته شده جهانی است. قدرت ترکیه امروز به جای دهانه تنگ، متأثر از بیان اقتصادی آن کشور است. ترکیه اینک به یک تاجر معتبر و شریک انرژی اروپا تبدیل شده است.

پس از قرار گرفتن در مسیر لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان، که در نیمه دهه نود آغاز و در دسامبر سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید و در نتیجه، دست یافتن به یک پیروزی استراتژی با ارزش، ترکیه اینک دو خط لوله گاز رقیب یعنی خط «نابوکو» «با مشارکت اتریش و «سوت استریم» (توسط روسیه و را با حمایت ایتالیا در آستین دارد.

ترکیه شریک تجاری بزرگ ایران نیز محسوب می‌شود. سال گذشته حجم مبادلات دو کشور به ۱۱ میلیارد دلار رسید که بخش عمده این رقم مربوط به

صادرات مواد خام (گاز و نفت) ایران به ترکیه و تنها ۲۵ درصد آن مربوط به مواد ساخته شده بود. صادرات ترکیه به ایران در حدود چهار برابر ارزش واردات متقابل غیرسوختی آن کشور است.

ترکیه بر خلاف کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از جانب ایران احساس خطر امنیتی نمی‌کند. در شرایط کنونی، بر خلاف دهه قبل، تحریک جمهوری آذربایجان در برابر ایران را نیز در راستای مصالح دراز مدت ملی خود نمی‌بیند.

دور شدن نسبی و رسانه‌ای ترکیه از اسرائیل، ضمن حفظ همکاری‌های اصلی، و همچنین عادی‌سازی روابط آنکارا با ایران، به تثبیت موقعیت ترکیه در منطقه بیش از پیش افزوده است.

در ارتباط با ایران، ترکیه علاوه بر پیگیری هدف‌های تجاری و گسترش مناسبات اقتصادی بخصوص در حوزه نفت و گاز، داوطلب کمک به حل مشکلات خارجی ایران نیز شده است.

با توجه به حضور یکصد نفر از نمایندگان بخش خصوص ترکیه در هیئت همراهان اردوغان، به نظر می‌رسد که در صورت تشدید تحریم‌ها علیه ایران ترکیه آماده می‌شود که از شرایط ایجاد شده حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

اگرچه ترکیه در مورد رسیدن به توافق نهایی با ایران در مورد توسعه بهره‌برداری از منابع گاز پارس جنوبی تاکنون کوتاهی کرده است، با این وجود حضور وزیر انرژی اردوغان در هیئت همراه او حاکی از آمادگی آنکارا برای گفت‌وگوهای بیشتر در این زمینه است.

ترکیه با وجود عدم برخورداری از امکانات مالی کافی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی، امیدوار است پس از عادی شدن بازار سرمایه در جهان و با استفاده از اعتبارات مالی خارجی بتواند با گردآوری ۴.۵ میلیارد دلار اعتبار، در توسعه دو فاز از منابع گاز پارس جنوبی، نقش فعالی ایفا کند.

حرکت شتابان ترکیه برای دست یافتن به قدرت اقتصادی پایدار تقریباً در همان دورانی آغاز شد که ایران برنامه‌های توسعه اتمی و موشکی خود را آغاز کرد. بعد از حدود ۱۵ سال اینک هر دو کشور در پیشبرد برنامه‌های خود به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

ایران بی‌تردید یک قدرت بزرگ موشکی در منطقه شده است. برنامه‌های توسعه اتمی ایران نیز در صورت ادامه باید و عملاً در مسیر نظامی وارد شود، می‌تواند همراه با ظرفیت‌های موشکی به ایجاد یک قدرت ترکیبی باز دارنده چشمگیر بینجامد.

نکته اینجا است که برنامه‌های توسعه موشکی و اتمی ایران، در عین موفق بودن، در جهت توسعه اقتصادی کشور مؤثر نبوده، سهل است که با در فشار قرار دادن صنایع نفت و گاز و اعمال تکنیک‌های مالی و اقتصادی، کشور را بسیار فقیرتر از دوران قبل از آغاز توسعه موشکی و اتمی اخیر ساخته است.

همزمان با رشد تورم در ایران، ترکیه تورم بیش از ۱۰۰ درصد خود را کاهش داده و آن را اینک یک رقمی کرده است. حجم صادرات خود را که در سال ۱۹۷۹ اندکی بیش از دو میلیارد دلار بود به ۱۱۰ میلیارد دلار افزایش داده است. میزان بی‌کاری در ترکیه رو به کاهش گذاشته و اقتصاد ترکیه در ردیف ۲۰ قدرت بزرگ جهان قرار گرفته است.

ترکیه به منظور استفاده ابزاری از ایران و در دفاع از طبیعت برنامه اتمی آن، مشابه روسیه، اصرار در غیرنظامی بودن اهداف آن دارد. در عمل و با تکیه بر تعارفات سیاسی و حمایت زبانی، ترکیه برای «همراهی تجاری» با ایران در دوران تشدید تحریم‌ها، آماده می‌شود. ترکیه مایل است که حجم مبادلات سالانه خود با ایران را در طول دو تا سه سال آینده به دو برابر و تا میزان ۲۰ میلیارد دلار سالانه افزایش دهد.

ترکیه، بدون برخورداری از منابع خام و تنها با تجدید نظر در تعریف قدرت و روش‌های دست یافتن به غرور ملی واقعی، اینک به یک قدرت جهانی تبدیل شده و در جایگاه یک ابر قدرت منطقه‌ای قرار گرفته است. از این لحاظ ترکیه، با جمعیتی مساوی، در مسابقه توسعه اقتصادی، با دست خالی از ایران که برخوردار از منابع و درآمدهای باد آورده نفت و گاز بوده، با فاصله زیاد پیشی گرفته است.

اردوغان در تهران به دنبال تحکیم روابط برادرانه دو کشور ایران و ترکیه است. وی وعده خواهد داد که برای توسعه منابع متعلق به برادر کوچکتر و در جا مانده خود تلاش می‌کند و قول خواهد داد که از حقوق برادر کوچکتر در برابر ابر قدرت‌ها دفاع خواهد کرد!

در گام بعدی اردوغان به واشنگتن می‌رود تا در کنار انجام امور شخصی خود در جمع بزرگان، در مورد شایعات مربوط به شیطنت‌های اتمی برادر کوچکتر نیز رایزنی کند.



## جنبش سبز در تکامل

بابک داد



حالا نظام کودتایی ایران با تلفیقی از حرکت‌های سلبی و اعتراضی و کارهای ایجابی و ساختاری برای ریشه کنی خود مواجه است و وحشت کرده است. میلیون‌ها ملت به ستوه آمده می‌خواهند با یک شعار واحد از سلطه این رژیم جائر و فاسد رهایی یابند. مقاومت در برابر این میلیون‌ها معترض، یک خودکشی تمام عیار است که نظام نامشروع آقای خامنه‌ای را به قهقرا می‌برد.

بابک داد  
جنبش سبز از آغاز سه حالت مختلف را تجربه کرده است: ایجابی، سلبی و حالا در حالی دوگانه یعنی سلبی/ ایجابی قرار گرفته است. دوران ایجابی: مربوط به دوران قبل از برگزاری انتخابات بود. میلیون‌ها ایرانی در داخل و خارج با عزم تغییر و برگزیدن نامزدهایی غیر از شخص مورد نظر حاکمیت، به جنب و جوش افتادند. رنگ سبز نماد این حرکت مردمی و میلیونی شد و هدفش اگر چه در بطن خود "سلب" امکان انتخابات دوباره احمدی نژاد بود، لیکن روش‌های سلبی و اعتراضی نبودند و شعارها حول محور این بود که "ما چه می‌خواهیم!". با این همه حکومت از یک مقطع زمانی، متوجه شد این حرکت مسالمت آمیز و آرام و سبز، با اینکه بنای تخریب ندارد ولی دارد بنای حاکمیت را دچار تغییر می‌کند و ممکن است کابوس اصلاحات برایشان تکرار شود. شاید تحلیل آنها اشتباه بود و با انتخاب موسوی یا کروبی حتی پایه‌های نظام در کلیت آن حفظ می‌شد و در کمتر از سه ماه، شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" سکه رایج مردم و مملکت نمی‌شد. اما از آنجایی که استبداد از نبض ملت‌ها خبر ندارد و غالباً کارهایی می‌کند که پایه‌های خود را سست می‌کند و نهایتاً فرو می‌پاشد، رژیم هم این حرکت ایجابی، ملایم و آرام را برناتفت و با تقلبی مفضحانه و رسوا، بازی انتخابات را بهم زد و آقای خامنه‌ای با شتابزدگی به تأیید نتیجه پرداخت و به زعم خودش سوت پایان را قبل از اتمام مسابقه زد. با آن سوت نابهنگام دوران ایجابی اول تمام شد! بیطرفی رهبر رسوا شد و بازی انتخابات فرمایشی چندین ساله، با رسواترین شیوه لو رفت.

دوران سلبی: از عصر شنبه 23 خرداد ماه اعتراضات پراکنده مردمی شروع شد. میلیون‌ها تن از مردم و حتی فعالان سیاسی، به مرور از شوک روانی آنچه بر نتیجه انتخابات رفته بود، بیرون آمدند و گروه‌هایی از ملت با اعتراضاتی آرام به خیابانها ریختند. توقع ساده آنها "بازشماری آراء" بود و نهایت حقانیتی که داشتند، در "راهپیمایی سکوت" تجلی یافت. اما سرکوب‌های از پیش طراحی شده سپاه و تیراندازی بسیج از پشت بام پایگاه مقدار و کشتن دهها نفر در همان روز، وضع را به سمتی برد که به زودی حتی شعار "ابطال انتخابات" هم بی‌معنا شد و بر داغ دل مردم، آب سردی نمی‌ریخت. خون‌هایی بر زمین ریخته شدند که عاملان آن، مستقیماً از سوی بیت رهبری و آقای خامنه‌ای و پسرش مجتبی دستور می‌گرفتند.

بعد از دستگیری فعالان انتخاباتی و سیاسی و روزنامه نگاران و وبلاگ نویسها و همزمان با هفته دوم اعتراضات و شهادت معصومه "ندا" و دهها جوان دیگر، فضای جامعه به سمت "سلبی" پیش رفت. حالا دیگر مهم این بود که "آنچه نمی‌خواهیم!" این حکومت جبار و خونریز است. دیگر ابطال و برگزاری مجدد انتخابات مهم نبود. مهم این بود که این نظام صلاحیت ندارد دوباره انتخاباتی برگزار کند و یا حکومت کند. سرکوب‌های بعدی و شکنجه‌ها و ربودن‌ها و تجاوزهای جنسی مفضحانه در زندانها، تندتندی‌های حرکت‌های مردمی را بیشتر نکرد اما خواسته‌های اعتراضی آنان را با سرعتی فوق‌العاده گسترش داد. تا جایی که در میانه تیرماه شعار "مرگ بر دیکتاتور" در پاسخ به "خس و خاشاک" خواندن ملت روی زبانها افتاد. این حرکت سلبی یعنی مخالفت آشکار با

نظام نامشروع جمهوری اسلامی، بارها توسط کسانی مثل موسوی، خاتمی و کروبی تلطیف شد و آنها با علاقه‌ای که به ماهیت اولیه انقلاب اسلامی داشتند، تلاش کردند مخالفت مردم نهایتاً با کلیت جمهوری اسلامی مورد نظر بنیانگذار فقیدش تعارضی نیابد! اما سران نظام این خبرخواهی سران جنبش را هم درک نکردند و خود را با جمهوری اسلامی پیوند زدند و موسوی و خاتمی و کروبی را از دایره نظام جمهوری اسلامی بیرون راندند!

این البته بخشی از اعتقادات سران جنبش بود اما چون مقامات فاسد نظام، خود را عین "جمهوری اسلامی" می‌دانند، طبیعی است تفکیک شعارهای ملت برای جداسازی جمهوری اسلامی حقیقی و دروغین کاری بی‌بهره و بی‌نتیجه بود و بالاخره شعارهایی مثل "جمهوری ایرانی" یا "دولت سبز ملی" از درون جامعه جوشید و بیرون آمد. روز قدس آخرین روز حرکت‌های سلبی ملت بر علیه نظام کودتایی نبود. نظامی که برآستی پایه گذاران دلسوز جمهوری اسلامی را در حصر خانگی و بازداشت و محدودیت قرار داده و اصالتاً غاصب است. با این حال از یک جایی، شعارهای مربوط به انتخابات و رأی و تقلب، دیگر پاسخگویی نیاز ملت نبود و نیست. اینجاست که سومین فاز جنبش با حالتی سلبی و ایجابی کلید خورده است. فازی که مسئولان جمهوری اسلامی فعلی به شدت از آن واهمه دارند. فازی که همزمان هم به سرنگونی این نظام فاسد می‌اندیشد و هم به ایجاد یک جایگزین معقول برا فردای کشور همت کرده است.

سلبی / ایجابی؛ ایجاد قانون اساسی: گروهی از اهالی جنبش سبز که حقوقدانانی متعهد و نوگرا هستند تصمیم گرفتند در کنار فعل و انفعالاتی که در جامعه جنبه زنده و سبز ما می‌گذرد، به حالتی "ایجابی" برای فردا فکر کنند. نوشتن پیش نویس قانونی برای اداره کشور که ممکن است حتی ضعفها یا خامی‌هایی هم داشته باشد، یکی از مهمترین این کارهاست. قانونی که قابلیت تکمیل و به روز رسانی برای آن همواره در خود آن تعبیه و پیش بینی شده است و مانند قانون سی ساله جمهوری اسلامی، مقدس نیست که فکر تغییر

بند‌هایی از آن "کفر" تلقی شود. سران کودتایی فکر این یکی را نکرده بودند که کسانی با نگاهی به تجربیات پیشین، از حالا به فکر نوشتن برنامه عملی و نقشه راه برای عبور از روزهای پرالتهاب بعد از سقوط کودتاجیان باشند و این شوک روحی باعث شده هر اسناک و عجولانه، دست به دامان نوشتن یک طرح وحدت ملی شوند. طرحی که از حالا پیداست برای خرید زمان و فروخواندن اعتراضات با خدعه و نیرنگ در رسانه‌ها پیشان مطرح کرده اند و نویسندگان افرادی همچون عسکراولادی هستند که از حالا موسوی و کروبی را بخاطر تفرقه افکنی در جامعه متهم کرده و از آنها خواسته به "اغوش رهبری" بروند! غافل از اینکه اغوش رهبری، گنجایش خواسته‌های بلند ملت را ندارد و ایشان برای چنین امر بزرگی، زیادی حقیردند!

برای نگارش قانون اساسی نوین، جمعی از بهترین حقوقدانان سبز اندیش‌نشسته اند و متناسب با ضعف‌های ساختاری قوانین فعلی و با عنایت به قوانین مترقی جهانی، یک پیش نویس نوشته اند که به زودی منتشر می‌شود. قبل از آن "قطعنامه اتحاد برای دموکراسی" را بر اساس مفاد همان قانون نوشته و منتشر کرده اند که حاوی کلیات اطمینان بخشی است برای ایجاد کشوری که با رأی مردم اداره می‌شود.

حالا نظام کودتایی ایران با تلفیقی از حرکت‌های سلبی و اعتراضی و کارهای ایجابی و ساختاری برای ریشه کنی خود مواجه است و وحشت کرده است. میلیون‌ها ملت به ستوه آمده می‌خواهند با یک شعار واحد از سلطه این رژیم جائر و فاسد رهایی یابند. مقاومت در برابر این میلیون‌ها معترض، یک خودکشی تمام عیار است که نظام نامشروع آقای خامنه‌ای را به قهقرا می‌برد.

اما بشارت باد بر نیروهای مسلح، نیروهای انتظامی، و پاسدارانی که خونریز نبوده اند، بشارت باد بر قضات و کارکنان دستگاه‌های سرکوب که دستشان به خون آلوده نیست، که در قانون اساسی نوین همه آنها از حقوق مترقی یک شهروند برخوردار خواهند بود و گزندی بر آنها نیست. پس دوستان نظامی، در این برهه حساس زمانی، "اگر شد وجدان خواب آلوده ات بیدار؛ تفتنگت را زمین بگذار" و به میان ملت بیایید. شاید این آخرین فرصت باشد. این ملت عزم کرده اند به هر قیمتی از یوغ استبداد فرقه آقای خامنه‌ای و سپاه مزدور سر بیرون بیایند و عزمشان قابل بازگشت نیست.



### طرح "صلح حسنی" به جای "جنگ حسینی"

بر خلاف توکلی که می‌خواهد بحران مشروعیت را با تهدید موسوی و کروبی حل کند، و یا جواد لاریجانی با دستگیری آنها، کسانی مانند مهدوی کنی راه حل را "صلح حسنی" به جای "جنگ حسینی" می‌بیند. ولی ایشان هم مانند توکلی و جواد لاریجانی مردم را نادیده می‌گیرد.

حبیب‌الله عسگر اولادی تاکتیک تفرقه انداختن در جنبش سبز را پیش گرفته است. وی می‌خواهد با مدال انقلابی دادن به گذشته موسوی و کروبی و ظاهراً دلجویی از آنها به شرط پذیرفتن نتیجه انتخابات و اینکه حرف آخر را رهبر می‌زند، و زده است، حول رهبری خامنه‌ای "اتحاد ملی" ایجاد کند. ولی او هم از حقوق مردم حرفی نمی‌زند و تصور می‌کند که جنبش سبز را موسوی و کروبی راه انداخته‌اند و حالا باید با آنها معامله کرد. عسگر اولادی بر خلاف توکلی و جواد لاریجانی می‌گوید: «موسوی و کروبی و خاتمی از خانواده انقلابند و آنها را مفت به دست نیاورده‌ایم که مفت از دست بدهیم». این آقایان نمی‌خواهند مشکلی که مردم با رژیم در نتیجه سالها ستم و حق کشی پیدا کرده‌اند را ببینند، و فکر می‌کنند که چند نفر با نظام مسأله دارند و می‌توان با آنها کنار آمد. در طیف راست گرایان کسانی مانند مرتضی نبوی، سردبیر روزنامه محافظه کار رسالت پس از یک دوره بدگویی و تهدید کردن اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم قادر نیست اصلاح طلبان را نادیده بگیرد. مرتضی نبوی گفته بود: «آقای موسوی اگر خود را حامی می‌داند پس باید در خصوص حمله کنندگان به انقلاب، اسلام و ولایت فقیه سکوت نکند اما سکوت وی تاکنون نه تنها همراهی با فتنه‌انگیزان بوده است، بلکه به گونه‌ای وی آنها را هدایت نیز کرده است.» وی در مورد کروبی هم چنین گفته بود: «آقای کروبی به جای اینکه به صراحت به اشتباه خود پی برده و بگوید که غلط کرده است ادعاهای دروغین خود را تکرار می‌کند.»

پس از گذشت چند ماه از ادامه بحران، و به ویژه پس از تظاهرات روز قدس، نبوی پس از ملاقات با سعید جباریان به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان اصلاح‌طلبان را نادیده گرفت. وی راه حل را در به رسمیت شناختن بحران و ناممکن بودن ادامه حاکمیت انحصاری، و ضرورت فراهم آوردن حقوق محدود برای مردم، با تعیین خط قرمزها دانسته است. محسن رضایی نیز که خود قربانی قلب در انتخابات شده است می‌گوید راه رفع بحران مشروعیت، پایان دادن به انحصار قدرت و پذیرش خواست‌های مردم است. اما در کنار این تلاش‌ها، نیروهای نظامی-امنیتی، و راست‌گرایان تندرو با ادامه سرکوب‌ها و دستگیری‌های جدید، و محکومیت‌های سنگین برای کسانی که تن به اعتراف‌گیری نداده‌اند می‌کوشند تا راه هر گونه مصالحه‌ای را ببندند. روزنامه کیهان، خبرگزاری فارس، احمد جنتی و روح‌الله حسینیان نماینده مجلس اسلامی از جمله این جریان‌ها هستند. حسینیان گفته است: «طرح وحدت ملی جز یک فتنه جدید برای گریز از تخلفاتی که طراحان آن انجام داده است نیست.»

### راه حل بحران از دید جنبش سبز

تلاش راست گرایان برای جدا کردن مردم از موسوی و کروبی بی‌نتیجه بوده است. موتور جنبش سبز مردم و همبستگی آنها است. در عین حال پیوندی دو جانبه میان مردم و رهبران بوجود آمده است که باید تقویت شود تا سازماندهی نوین جنبش سبز پا بگیرد و هزاران هسته سبز را بهم متصل کند. جنبش سبز مبنای حکومت را آرای مستقیم و آزاد مردم می‌داند، نه اراده رهبر، یا اجماع کسانی که قدرت را در انحصار خود گرفته‌اند. در پیشنهاد شبکه‌ی سبز اندیش برای امرنامه‌ی رسا - نسخه ۱.۱ آمده است:

«رسا اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را مبنای حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌داند و در همگام کردن قوانین کشوری با این قوانین کوشش می‌کند. از نظر ما حفظ حقوق فردی شهروندان، صرف‌نظر از وابستگی‌های فرهنگی، قومی، نژادی، دینی، زبانی، جنسیتی و گرایشی آنان و فراهم کردن شرایط مناسب برای شکوفایی هر شهروند، از اهم وظایف دولت‌های ملی و تشکیلات اداری-سیاسی محلی است. رسا حمایت از برابری حقوق زنان با مردان و تکیه بر توانمندسازی زنان را برای رسیدن به مردم‌سالاری پایدار ضروری می‌داند.»

این تنها راه باقی مانده پیش از درون پاشی یا فرو پاشی نظام است. سماجت مثلث قدرت (خامنه‌ای، سپاه، دولت) بر ادامه قدرت انحصاری با تصور اینکه مردم معترض خس و خاشاک‌اند تنها عمر رژیم را کوتاه می‌کند.

همچنین رژیم بی‌جهت می‌کوشد رهبران اصلاح طلبان را از مردم جدا کند. همانگونه که خود گفته‌اند آنها بدون مردم کسی نیستند. راه حل بحران مشروعیت مراجعه به آرای مردم است. ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه هم تجدید انتخابات و یا رفراندوم است. تا مردم تعیین کنند چه می‌خواهند. راست گرایان همچنان ادعا می‌کنند که انتخابات انجام شد و احمدی نژاد با ۱۱ میلیون رای بیشتر برنده شده است. اگر چنین است آنها نباید از تجدید انتخابات نگران باشند. اگر تقلبی انجام نگرفته است و این ارقام درست است بار دیگر احمدی نژاد می‌تواند به همان میزان آرا شاید کمی بیشتر یا کمی کمتر دست یابد. آیا این روش مندی و دمکراتیک ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین راه برای حل بحران مشروعیت و اتحاد ملی نیست؟

منبع: ایران امروز

### طرح «اتحاد ملی» بدون شرکت ملت

دکتر کاظم علمداری



آنچه رژیم جمهوری اسلامی از رهبران اصلاح‌طلبان می‌خواهد را می‌توان در جمله زیر خلاصه نمود. بیانیید مشروعیت دولت را به رسمیت بشناسید، مردم را رها کنید و دست ما را برای سرکوب آنها باز بگذارید، ما شما را همانند گذشته در قدرت سهیم می‌کنیم. اما پاسخ تحسین برانگیز میرحسین موسوی چنین بوده است.

"تا هنگامی که مسأله بحران و مشکل در کشور قبول نشود، تا هنگامی که اکثریت مردم اغتشاش‌گر نامید شوند، تا موقعی که مردم به حساب نیایند و منحرف نامیده بشوند، تا موقعی که حق مردم برای تعیین سرنوشت خودشان قبول نشود، راه حل جامعی برای مشکل پیدا نخواهد شد."

با ارزیابی از روند چهار ماهه پس از انتخابات ۲۲ خرداد، جمهوری اسلامی به نتیجه رسیده است که علی‌رغم سرکوب، دستگیری، برپایی دادگاه‌های نمایشی و اعتراف‌گیری بحران ادامه یافته است. این بحران در کنار مناقشات اتمی ایران باغرب رژیم را در محاصره جدی قرار خواهد داد.

برای برطرف کردن بحران مشروعیت راهی جز انتخابات آزاد که مردم بتوانند سرنوشت خود را تعیین کنند وجود ندارد. ادامه سرکوب تلاشی برای پنهان کردن بحران است که در دراز مدت پی‌آمد وخیمی خواهد داشت. در نتیجه کسانی از راست‌گرایان در پی راه سومی رفته‌اند، راه سازش با رهبران اصلاح طلب و طرح «اتحاد ملی» بدون شرکت ملت.

### تهدید و ترغیب

افرادی مانند علی لاریجانی، محسن رضایی، مرتضی نبوی، محمدرضا باهنر، مهدوی کنی و حبیب‌الله عسگر اولادی از جمله کسانی هستند که پی‌گیر طرح به اصلاح «اتحاد ملی» بوده‌اند. کسانی مانند احمد توکلی و جواد لاریجانی، شیوه تهدید موسوی و کروبی را اتخاذ کرده‌اند. جواد لاریجانی، موسوی را با مسعود رجوی یکی دانسته خواهان دستگیری و محاکمه وی شده است. او دلایل واقعی مبارزات مردم را نمی‌بیند و تصور می‌کند که مردم به خواست موسوی و کروبی به خیابان آمده‌اند.

احمد توکلی در مقاله‌ی تهدید آمیز به کروبی و موسوی می‌نویسد: «روش شما در این ایام چنان است که گویا می‌خواهید حاکمیت را به برخورد با خود بکشانید. دارید سلاح کسانی را نیز می‌کنید که اعتقاد چندانی به مدارا با مردم و مردم‌سالاری دینی و لوازش ندارند. تردیدی نیست که معارضة به ظاهر جدید، با شعارها و استراتژی‌های شمرده شده، چیزی جز خیانت به امام، انقلاب، اسلام، مردم و ایران نیست.»

توکلی تا آنجا پیش می‌رود که مسوولیت نظامی و امنیتی کشوری را به مردم‌سالاری دینی و لوازش ندارند. دراز مدتی چون کاهن سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و افزایش قیمت‌ها را به موسوی و کروبی و مردم معترض نسبت می‌دهد. اما او بعنوان یک اقتصاددان باید بداند که کاهش سرمایه‌گذاری، تورم ۲۸ درصدی و بیکاری ۱۵ درصدی ناشی از سیاست اقتصادی مخرب چهار ساله دولت احمدی‌نژاد بوده و در کنار ستم‌هایی که به مردم شده است یکی از عوامل رشد اعتراضات کنونی است، نه برعکس. عامل نظامی و امنیتی کردن جامعه نیز کسانی هستند که در برابر اعتراضات آرام و قانونی مردم خشونت را تجویز کرده‌اند و از سکوی نماز جمعه فرمان آتش داده‌اند و فجایع زندان کهریزک را آفریده‌اند. توکلی روشن نمی‌کند که چرا حق خواهی مردم و مخالفت با انتخابات دست چین و مهندسی شده شورای نگهبان، خواست آزادی انتخابات، برابری حقوق شهروندی، و یا راه پیمایی آرام، خیانت به امام، انقلاب، اسلام و مردم است.

در ادامه این تهدید وی می‌نویسد: «فکر می‌کنید حکومت تا کجا مدارا خواهد کرد؟ اگر تصور شود اجازه داده می‌شود نظامی که با خون‌دادن‌ها و خون دل خوردن‌های بسیار برپا شده و تنها حکومت دینی جهان، ولو پر عیب و نقص، است، به این راحتی عوض می‌شود؛ یا تصور کنید همه آنانی که امروز زیر علم شما سینه می‌زنند، به شما وفادار خواهند ماند، هر دو تصور اشتباه است.» توکلی نمی‌گوید کسانی که امروز زندانی شده‌اند از سزای ننگان، و یا موسوی و کروبی و خاتمی که روزانه تهدید و مورد اتهام قرار می‌گیرند نخست

وزیر، رئیس مجلس و رئیس جمهور محبوب همین نظام بوده‌اند. او نه از حق و حقوق مردم سخنی می‌گوید و نه از نقش مردم در جنبش سبز. به همین دلیل نمی‌تواند مشکلی را پاسخ دهد.

## عیسی سحرخیز؛ زبان در بند مرتضی کاظمیان



نوشتن در مورد فقط یکی از زندانیان سیاسی-عقیدتی- مطبوعاتی این روزهای ایران، کاری بس دشوار است. انصاف می‌باید که این بازداشت‌شدگان - و صد البته خانواده‌هایشان- از ستم و سختی کمابیش مشابهی، در رنج‌اند. در این میان، حتی اگر قرار باشد تنها -و به بهانه‌ی برگزاری مراسمی با عنوان غریب و لایتجسبک "جشنواره" مطبوعات- در مورد روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای و مطبوعاتی محبوس در سلول‌های انفرادی و جمعی، یادداشتی نگاشته شود، باز انتخاب یک فرد، کاری بس سخت و نفس‌گیر است.

چگونه می‌توان در هنگامه‌ی برگزاری آنچه "جشنواره مطبوعات" خوانده می‌شود از یکایک روزنامه‌نگاران در بند سخن نگفت؟ فهرست مطولی که محمد عطر یانفر، محمد علی ابطحی، عیسی سحرخیز، احمد زیدآبادی، کیوان صمیمی، بهمن احمدی امویی، محمد قوچانی، سعید لیلانز، فیاض زاهد، هنگامه شهیدی، فریبا پژوه، مسعود باستانی، پیمان عارف، رضاتوربخش، حسین نورانی‌نژاد، علی پیرحسینلو، و مهدی محمودیان تنها بخشی از آن را معرفی می‌کند. فهرستی که با بازداشت هادی حیدری در مراسم دعای کمیل، ظاهرًا "قصد توقف ندارد... هر یک از این جماعت رنج‌کشیده و ستدیده (روزنامه‌نگاران) که همچنان در حبس روزگار را سپری می‌کنند حکایتی جدا نیز دارد و بخشی از واقعیت‌های تلخ ایران امروز را رونمایی و توصیف می‌نماید. از همین زاویه، ماجرای عیسی سحرخیز، از منظری، با قریب به اتفاق روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده متفاوت است.

سحرخیز در بند و حبس است، چرا که به نظر می‌رسد باید "زبان" او محبوس و در بند باشد. برای همگان (چه شهروندانی که این فعال مطبوعاتی صریح‌الجهه را می‌شناسند و با ادبیات و دیدگاه‌های وی، به‌ویژه پس از انتخابات، آشنایی دارند؛ و چه برای صاحبان قدرت) آشکار است که آزاد بودن او، یعنی ادامه یافتن طرح و ابراز نقدهای بنیادین نسبت به شرایط مستقر، و مخالفت‌های تیز و بی‌باک و جسورانه با نظم سیاسی مستقر، و به‌ویژه مواخذه و پرسش‌گری از راس هرم قدرت در نظام سیاسی ایران.

سحرخیز از آن دست فعالان مطبوعاتی نیست که احتمال خروج او از ایران، حتی اندکی، مفروض باشد. این‌چنین، نبودن او در اسارت و زندان، برای اقتدارگرایان و متولیان حکومت به‌معنای چالش مستمر با مخالفی است که با استفاده از تمامی امکانات و ابزارهای رسانه‌ای موجود (از سایت‌های اینترنتی گرفته تا شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی)، از داخل کشور اطلاع‌رسانی می‌کند، از دموکراسی و آزادی عقیده و بیان می‌گوید، و دشمنان دموکراسی را (با تحلیل خود) بی‌تعارف و اجمال و پردپوشی، مورد انتقاد و سنوال قرار می‌دهد.

بدیهی به‌نظر می‌رسد که محاکمه‌ی او نیز، علنی نخواهد بود؛ دادگاه برای او مجالی خواهد شد که دیدگاه‌هایش را بی‌پروا ابراز کند و از حق حاکمیت ملت، شجاعانه دفاع نماید. این‌چنین، صدور حکم علیه او، کاری بس دشوار است؛ باید او را با عناوین کلی چون اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی و ... محکوم ساخت؛ و گر نه استناد به مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها و نقطه‌نظرات وی، یعنی مشخص شدن رویکردها و مضمون اصلی نقدهای وی؛ نقد هسته‌ی مرکزی و به‌ویژه راس هرم قدرت در جمهوری اسلامی. قابل پیش‌بینی است که نه صدا و سیما و نه هیچ رسانه‌ی داخلی دیگری (اعم از دیداری و شنیداری و مکتوب) دفاعیات او را منتشر نخواهد کرد. چرا که سحرخیز می‌تواند در همان موقعیتی قرار گیرد که خسرو گلسترخی بود و شد و هست، و دفاعیات‌اش در دادگاه، ماندگارتر از هر پیش‌بینی‌ای شود.

شک نباید کرد که مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد دولت اصلاحات، یکی از متفاوت‌ترین زندانیان کنونی محسوب می‌شود. او نه در تجمعات اعتراضی پس از انتخابات حضور داشته و در آنچه اقتدارگرایان، "اغتشاش" و "آشوب" توصیف‌اش می‌کنند، دخیل بوده است، و نه در تشکیلات سیاسی مشخصی عضو بوده و سازمانده‌ی می‌کرده است؛ هیچ‌کدام. سحرخیز به‌مثابه‌ی یک روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی، در پی حقیقت، و به‌دنبال تقریر حقایقی بود که بدان‌ها دست می‌یافت و بیان و نشر آنها را واجد نتایجی چون آگاه شدن مردم، اصلاح وضع موجود، و کاستن از درد و رنج و مرارت خلق ارزیابی می‌کرد.

تداوم حبس سحرخیز، یعنی شفاف شدن همچنان وضع آزادی بیان و عقیده در ایران؛ چه، اگر او در ابراز نظرات و بیان دیدگاه‌هایش، حریم‌های قانونی و خطوط قرمز مصرح در قانون اساسی یا قانون مطبوعات را زیر پا نهد، باید چنان که قانون تعریف و تبیین کرده است، به اتهاماتی که علیه او مطرح می‌شود، مرجع صالح، در دادگاه صالح، به‌صورت علنی و با حضور هیات منصفه، و نیز با حق وی در مورد داشتن وکیل، رسیدگی کند و حکم صادر نماید. در غیر این‌صورت، تداوم بازداشت وی، یعنی تداوم تلاش برای بستن دهان منتقدان و مخالفان، و البته، عریان‌ساختن کیفیت و وضع آزادی منتقدان و مخالفان در ایران امروز.

### عبدالله نوری سکوت را شکست

### حکومت از رنگ سبز و دعای کمیل هم می‌ترسد

اگر اجازه بیان اعتراضات مردم را ندهند، حکومت است که باید جابجا شود- زیر تیتر

ادوار نیوز: عبدالله نوری، در دیدار با جمعی از روزنامه‌نگاران که برای اطلاع از دیدگاه‌ها و تحلیل‌های او به منزل‌اش رفته بودند در اظهاراتی صریح به تحلیل عملکرد حاکمیت در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم و حوادث پس از آن پرداخت.

وزیر کشور دولت اصلاحات در این نشست با طرح پرسش‌هایی از حاکمیت و مقایسه شیوه حکمرانان کنونی با شیوه حکومت حضرت علی (ع) که خود را با آن حضرت مقایسه می‌کنند، از جمله گفت:

«در بخش انتخابات حکومت در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ اینگونه جمع بندی کرد که از واجدین شرایط که چهار و شش میلیون و دویست هزار نفر می‌باشند حدود چهل میلیون در انتخابات شرکت کرده و مردم با رأی بیست و پنج میلیونی خود رییس جمهورشان را انتخاب کردند و با رأی سیزده میلیونی جایگاه اصلاح طلبان و اصول‌گرایان حامی مهندس موسوی معین شد و با رأی سیصد هزار نفر، مردم جایگاه آقای کربوبی را پایین تر از آراء باطله دانستند. ولی بخش گسترده ای از جامعه اینگونه فکر نمی‌کنند و می‌پرسند که آیا واجدین شرایط چهار و شش میلیون و دویست هزار نفر است و یا بیش از پنجاه و یک میلیون؟ و آیا در انتخابات قریب چهل میلیون شرکت کرده اند و یا کمتر؟ و آیا تفاوت آراء رییس جمهور منتخب حکومت با آقای کربوبی که مورد تایید افراد و جریانات گوناگونی هم بوده بیش از بیست و چهار میلیون رأی است؟ و ده ها سؤال دیگر.»

عبدالله نوری در بخش دوم از پاسخ خود به این پرسش با اشاره به برخورد حاکمیت با اعتراضات مردمی در حوادث پس از انتخابات گفت: «باید پرسید چرا اینگونه عمل شده و عملکرد چهار و نیم ماهه پس از انتخابات برای حکومت چه نتایج مفیدی به بار آورده که علی‌الظاهر همچنان هم ادامه دارد؟ و با این عملکرد چه موضوعی از منظر خود حکومت در حال حل شدن است. الان پس از چهار و نیم ماه آیا جمع بندی خود حکومت این است که بهترین و درست ترین رفتار را داشته و بهترین نتیجه را گرفته و اعتماد عمومی آسیب دیده ترمیم شده و بحران ایجاد شده به اتمام رسیده؟»

وی افزود: «به نظر من در هر دو بخش مشکل و جود دارد و حکومت به نتایج مناسب نرسیده. در بخش انتخابات ممکن است کسی ادعا کند در یک چارچوب خشک برابر ضوابط و دستورالعمل‌ها و قوانین عادی و حتی قانون اساسی حکومت مسیری را که درست تشخیص می‌دهد دنبال نموده. قانون اساسی نظارت بر انتخابات را از وظایف شورای نگهبان دانسته همانگونه که تفسیر قانون اساسی را هم در اختیار شورای نگهبان قرار داده و بر همین اساس هم شورای نگهبان نظارت را استصوابی تفسیر نموده و همه مراحل از آغاز تا پایان

عبدالله نوری ادامه داد: «پس قانون اساسی را چه کسی اجرا نمی کند؟ حکومت و یا معترضان؟ شاید نظر برخی از آقایان این باشد که چرا همانند ما فکر نمی کنید و مشکل شما همین است و گر نه اگر مثل ما فکر می کردید که بدون مجوز هم می توانستید تجمع داشته باشید. البته من فکر نمی کنم که آقایان پس از گذشت سی سال از انقلاب به نتیجه رسیده باشند که باید یک حزب رستاخیز و این بار مسلح درست کنند و با معیار وابستگی به آن حزب خودی و غیر خودی را جداسازی کنند. امروز در نقاط گوناگون دنیا افکار و نظرات متفاوت وجود دارد. تجمع دارند برنامه دارند حزب دارند و در هیچیک از این کشورها فعالیت جریانات گوناگون برای امنیت کشور خطر محسوب نمی شود و در ارتباط با ایران هم همه دنیا می داند جریانات مختلف با دیدگاه های متفاوت وجود دارد. چه دلیلی وجود دارد که کمترین فعالیت جریانات گوناگون و جمعیت های متفاوت اخلال به امنیت کشور دانسته شود؟»

وی با طرح این سوال که «آیا ظرفیت اجرای بخش حقوق ملت مندرج در قانون اساسی وجود ندارد؟» گفت: «اگر چنین است آیا بهتر نیست اعلام شود تا معلوم باشد چه کسانی در جهت پامال کردن اصول قانون اساسی اقدام می کنند.»

عبدالله نوری افزود: «شاید در نظر برخی قانون اساسی به دو بخش تقسیم می شود بخشی حکم ورق پاره را دارد که عمدتاً مربوط به حقوق مردم است و بخشی همانند قرآن می ماند که حتی سخن گفتن در مورد آنها خروج از دین است من اعتقاد ندارم که قانون اساسی متن مقدس است و معتقد هستم که ابهامات و اشکالات گوناگونی در آن وجود دارد و لکن آن را منتی قراردادی می دانم که اعتبار آن را هم به همان قرار داد می دانم. در اصول قانون اساسی می تواند از برخی اصول و قواعد و یا ضروریات اسلامی استفاده شده باشد که طبیعتاً قداست آن موارد هم مربوط به قداست اسلام است. من فکر می کنم سخن جریان اصلاح طلب هم این است که حاکمیت به همه اصول قانون اساسی قراردادی یکنواخت عمل کنند.»

#### برخی از برخوردها صرفاً جنبه انتقام گیری شخصی دارد

وزیر اسبق کشور ادامه داد: «حکومتی که بخواهد منافع ملی کشورش و یا حتی منافع خودش را تامین کند قطعاً نباید روحیه انتقام گیری داشته باشد و باید از رفتار تند و خشن پرهیزد و از بردباری و سعه صدر برخوردار باشد همانگونه که امیر مومنان می فرماید "الله الزیاسه سعه الصدر" و مگر قرآن نمی گوید "محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم" آیا در کشور ما از رحمت محمدی بهره برده می شود؟ و یا نسبت به مومنان هم با شدت رفتار می گردد؟! و یا از دیدگاه حکومت معترضان در زمره کفار قرار دارند؟! و آیا عزیزان زندانی ما مشمول جمله زیبای امیر مومنان که فرمود "اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق" یا برادران دینی تواند و یا انسانهایی همچون تو نمی شوند؟»

عبدالله نوری همچنین در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «یکی از اصول حکمرانی بهره بردن از حداکثر جاذبه و به حداقل رساندن دافعه است. حکمران موفق در همه حکومت ها کسی است که هر روز از تعداد مخالفان خود بکاهد و بر تعداد موافقان خود بیفزاید و در بسیاری از کشورهای دموکرات دنیا به طور منظم برای ارزیابی همین موضوع نظر سنجی های دوره ای دارند. حال آیا در ایران هم حکمرانان به همینگونه رفتار می کنند؟»

نوری ادامه داد: «یک روز مخالفین محدود بودند به جریان سلطنت طلب و گروه های تروریستی و امروز نزدیکترین نیروهای همراه با حاکمیت را هم در صف مخالفین حکومت قرار می دهند و توجه نمی شود که این جدایی ها آسیب جدی و اساسی را متوجه حکومت می کند که با ریزش مرتب همراهان خود یک روز ممکن است حکومت تعداد اندکی را در صف حامیان خود بیابد و آن زمان برای جبران گذشته و باز گرداندن آب از جوی رفته دیر باشد.»

وی با ابراز تاسف از اینگونه رفتارهای حاکمیت تصریح کرد: «می خواهند مردم قبول کنند که زندانیان بدون هیچ فشاری واقعیت هایی را بیان می کنند و یا به نکات جدیدی واقف شده اند. بهتر است حکومت بداند که اقاریر مربوط به انتخابات و مسایل سیاسی اجتماعی روز و با مسایل نظری مربوط به علوم انسانی و امثال آن که سهل است چنانچه دین خدا هم به این شیوه از طریق تربیون دادگاه تبلیغ شود مورد تردید قرار می گیرد و این سؤال مطرح می شود که چرا با این شیوه؟»

عبدالله نوری سپس افزود: «آیا حکومت مدعی است در تمام اعمال و رفتار خود راه صواب را طی نموده و معترضان باید عذر خواهی کنند و از کرده نا کرده خود اظهار ندامت نمایند شاید مورد لطف قرار گرفته عفو و بخشش حاکمیت شامل حال آنان گردد؟ این است مشی امیر مومنان و سفارشات او به مالک اشتر؟»

انتخابات را جزء وظایف خود دانسته و این شورا هم صحت دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را مورد تایید خود قرار داده. حال سؤال این است که آیا حکومت در ارتباط با اقتراح معترضان و آنها که دچار بی اعتمادی نسبت به عملکرد حکومت و یا شورای نگهبان شده اند هم به نتیجه مطلوب رسیده؟ و آیا بهتر نیست که رفتار حکومت به گونه ای باشد که در چنین شرایطی نظر نهایی حکومت و یا شورای نگهبان بسیاری از معترضان و کسانی که نسبت به نتیجه انتخابات دچار بی اعتمادی شده اند را قانع کند؟ ممکن است برای طرفداران حکومت چنین اعتمادی حاصل باشد ولی برای معترضان به نتیجه انتخابات فکر نمی کنم چنین اعتمادی حاصل شده باشد و این همان چیزی است که هر حکومتی از جمله حکومت جمهوری اسلامی را آسیب پذیر می کند.»

عبدالله نوری ادامه داد: «در بخش دوم که بحث رفتار پس از انتخابات است آیا حکومت رفتار مثبتی از خود نشان داد؟ آیا به گونه ای رفتار شد که تردید اشخاص مردم برطرف شود؟ خود حکومت برای خودش جمع بندی کند که این حرکت چند ماهه برای پایداری و سربلندی حکومت مثبت بوده و یا منفی، به ویژه در ارتباط با مردم؟ آیا این حوادث چند ماهه بر نگاه مردمی که تردید داشتند اثر مثبت گذاشته یا اثر منفی؟»

وی بلافاصله افزود: «اگر به نتیجه رسیدند که اثر مثبت نداشته به دنبال راه حل باشند و نگذارند مسایل هر روز پیچیده تر شود.»

#### اگر اجازه بیان اعتراضات مردم را ندهند، حکومت است که باید جابجا شود

عبدالله نوری، حکومت را به ارزیابی عملکرد خود فراخواند و گفت: «خود حکومت از سر انصاف و مصلحت اندیشی برای خودش رفتار این دوره خودش را که شاید قابل پیش بینی برای کمتر کسی بود ارزیابی کند. چنانچه به این جمع بندی رسید که درست عمل کرده من هم توصیه می کنم ادامه دهد و از مسیری که انتخاب کرده برنگردد و چنانچه به این جمع بندی رسید که در مسیر چند ماهه گذشته نتیجه مطلوبی حاصل نشده اصلاح مسیر نماید و از رفتار گذشته خود عذر خواهی کند.»

عبدالله نوری خاطر نشان ساخت: «چنانچه حکومت تمام توان خود را به کار ببرد تا معترضان را وادار به سکوت کند باید بداند با این شیوه اعتماد از دست رفته باز نمی گردد اگر چه به ظاهر سخنی نگویند و یا در مقام تقیه با حکومت هم آوا شوند و این امر برای حکومت بسیار خطرناک است چون با گذشت زمان حکومت از جایگاه واقعی خود در میان مردم بی اطلاع می گردد و از همین ناحیه سنگین ترین آسیب بر او وارد می شود. به اعتقاد من یکی از اصول حکمرانی این است که حکومت تمام توان خود را به کار برد که ظاهر و باطن مردم یکی باشد تا مبدا از درون، جامعه در حال انفجار باشد و حکومت کمترین خبری از آن نداشته باشد و رفتار حکومت نباید به گونه ای باشد که مردم دارای دو چهره شوند در ظاهر تابع و مطیع و حداقل ساکت و در باطن و درون خانه ها و تجمعات درون گروهی خشمگین و پر خاشاگر و عصبی.»

نماینده امام خمینی در جهاد بر همین اساس تاکید کرد: «هر گونه رفتار حاکمیت که اضطراب و ناامنی را در جامعه تشدید کند و مردم در محیط بیرونی و در منظر حکومت احساس ناامنی کنند نظرات خود را به محیط های خصوصی و اندرونی و خارج از دسترس حکومت منتقل می نمایند و چه بسا از مسیر قانونی و منطبق با موازین و کنترل شده هم خارج شود و حکومت زمانی به فکر چاره بیفتد که نفرات باقیمانده برای او بسیار کمتر از نیاز او باشند و در چنین شرایطی این حکومت است که باید جابجا شود.»

#### حقوق ملت در قانون اساسی را ورق پاره و بخش های دیگر را متن مقدس می دانند

عضو منصوب بنیانگذار جمهوری اسلامی در شورای بازنگری قانون اساسی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «به اصول قانون اساسی مربوط به حقوق مردم نگاه کنید و سپس منصفانه قضاوت کنید که چه کسی قانون اساسی را قبول ندارد و در عمل ورق پاره می داند و زیر پا می گذارد؟ آنوقت به مخالفان وضع موجود اعتراض می کنند که شما قانون اساسی را قبول ندارید. سخن و خواست رهبران اصلاحات این است که در چارچوب همین قانون اساسی که حاکمیت را به قدرت رسانده تجمع داشته باشند و تنها و تنها برای این تجمع می خواهند که بودن خود و متفاوت بودن خود از جریان حاکم را اثبات کنند حفاظت آن را هم خود حکومت به عهده بگیرد. چرا اجازه نمی دهند؟ امروز احساس می شود که نه تنها به این خواست حداقلی که از حقوق اولیه مردم است و در بسیاری از نقاط جهان این حق اولیه ملی به رسمیت شناخته شده است حکومت جمهوری اسلامی تن نمی دهد که گاه این خواست ها را اقدام علیه امنیت ملی و نوعی براندازی تفسیر می کند.»





زشت و توهین آمیز نخوانید و یا "ویل لکل همزه لمزه" وای بر عیب جویان و بدگویان و غیبت کنندگان. آیا این نوع گفتار از مدعیان دین داری جفای به اسلام نیست؟

#### رفتار حکومت همچون چوپان در غگو نباشد

عبدالله نوری در بخش پایانی سخنان خود نیز گفت: «البته اتفاقات این چند ماهه اگر چه موجب هزینه های سنگینی شد و لکن بینش و نگرش بسیاری از مردم را نسبت به مسایل و رویدادهای داخلی کشور تحت تاثیر رفتار حکومت تغییر داد و همین موضوع باعث می شود که حکومت در دراز مدت در جهت بقا خود به اصلاح عملکرد خویش و حرکت در راستای خواست مردم بپردازد.»

وی افزود: «در قضاوت ها باید صادقانه و منصفانه سخن گفته شود حتی اگر دیگران در ارتباط با ما اینگونه عمل نکنند و زشت ترین تعبیر را به کار برند. کار خوب، خوب است هر کس انجام دهد و کار بد، صریح بد است هر کس انجام دهد. تعبیری از قبیل کارنامه سیاه سی ساله جمهوری اسلامی و یا بیست ساله و یا چند ساله تعبیر درستی نیست. هر کارنامه ای باید باز بینی شود و در چارچوب شرایط و مقتضیات زمانی و امکانات موجود ارزیابی گردد ممکن است به مواردی نمره قبولی تعلق گیرد و مواردی هم نه تنها نمره قبولی نگیرد که چهره های زشت از انقلاب را در معرض افکار عمومی قرار دهد. سخنان من از همین موضع است که چرا کار منفی انجام شود که کارهای مثبت هم به رنگ سیاه جلوه کند. من می گویم رفتار حکومت همچون چوپان دروغگو نباشد که سخن راستش را هم کسی باور نکند.»

در این دیدار که در فضایی صمیمی برگزار شد روزنامه نگاران تحلیل خود را از شرایط امروز ایران، انتخابات و حوادث پس از آن و همچنین مشکلات فراوان روزنامه نگاری در ایران بیان کردند.



### راه پیمائی مادران عزادار در لوس آنجلس

بسیار خوشوقتم به اطلاع برسانیم که از شنبه آینده حمایت از مادران عزادار ایران با ابتکار جدید جمعی از حامیان آنان در لوس آنجلس صدایی رساتر خواهد یافت

San Vicente گروهی از دوستان برآند تا با نشانه های سبز و حمل شعارهایی در جهت خواسته های مادران عزادار ایران مسیری را از خیابان تا محل گردهمایی هفتگی حامیان مادران عزادار در پارک تقاطع اوشن و کلرادو با دوچرخه طی کنند

بباید تا با پیوستن به این حرکت زیبا فریادهای خاموش آن مادران و شیر زنان را در مرز های خارج به گوش برسانیم

بگذاریم تا بدانند در این سوگ تنها نیستند و دادخواهی شان از طرف جهانیان حمایت می شود

با سپاس از دوستان مبتکر این حرکت و با آرزوی هر چه گسترده تر شدن آن

**حامیان مادران عزادار ایران**

عبدالله نوری در ادامه سخنان خود در جمع روزنامه نگاران گفت: "من از حکومت سئوالی منصفانه دارم چنانچه این عزیزانی که امروز در زندان هستند در بیرون زندان بودند و می توانستند در ارتباط با حوادث پس از انتخابات نقشی ایفا کنند آیا تلاش آن ها در جهت تعدیل حرکتها بود و یا در جهت هر چه رادیکالیزه شدن؟ اتفاقا زمانی که حرکت پله و رها باشد و به تعبیر دیگر سر و پا رهبر نداشته باشد می تواند به هر کجایی هم وابسته شود و هیچکس هم پاسخگو نباشد. چنانچه حکومت پس از انتخابات و حتی اعلام همین نتیجه ای که اعلام کرد به جای بگير و ببند و حوادث این چند ماهه باب گفتگو با رهبران حرکت اعتراضی و همین عزیزانی که امروز در زندان هستند را باز می کرد و به حداقل خواسته های آن ها پاسخ مثبت می داد آیا آرامش و طمأنینه را به خود و جامعه زود تر از این مسیری که انتخاب کرده و ادامه آن هم به نا کجا آباد است باز نمی گرداند؟ در جلسات بحث و گفتگوی دوستانه است که افکار به یکدیگر نزدیک می شود و ممکن است برخی ذهنیت ها از این سو و برخی توهامات از طرف دیگر اصلاح شود؛ البته ممکن است در برخی موارد هم تقاضم حاصل نشود ولی قطعاً شرایط بهتر از وضع موجود که مملو از بدبینی ها و نفاقها و عصبیتها است می بود.»

#### کار حکومت به جایی رسیده که از نماد های یک رنگ هم می ترسد

شیخ عبد الله نوری افزود: «حالا کار به جایی رسیده که به جلسه دعای کمیل هم حمله می کنند و انسان های دردمندی که در حال قرائت دعای کمیل هستند را نیز با برخوردهای توهین آمیز دستگیر می کنند. چرا؟ آیا خانواده زندانیان برای استخلاص عزیزان در بند خود دعای کمیل هم نمی توانند بخوانند؟»

وزیر اسبق کشور تاکید کرد: «یکی از مشکلات امروز همین است که معیاری برای امنیت خاطر وجود ندارد. با دعای کمیل برخورد می شود با سخنان دلسوزانه برخورد می شود امروز حکومت برخی از موضوعات را برای خود به مسایل خطرناک و امنیتی تبدیل کرده؟ مثل رنگ سبز و من شنیده ام که در برخی از نقاط با رنگ سبز هم برخورد می شود و همین سوژه معترضان شده است. آیا واقعا اقتدار نظام در این حد آسیب دیده که از رنگ خاصی در هراس است؟ و یا تجمعات آرام و حتی بدون شعار را مسئله امنیتی می داند چرا؟ فرض بگيرید خطیب نماز جمعه مطلبی گفته و یا فلان رجل سیاسی اقدامی کرده که فرد و یا گروهی با آن مخالف هستند و می خواهند در تجمعی تحت کنترل نیروهای امنیتی اعتراض خود را بیان کنند و یا طرفداران آقایان موسوی و کروبی می خواهند تعداد خود و حامیان خویش را برآورد کنند شما هم که معتقد هستید جمعیت معترضان هم اندک است و هر چه به پیش رفته ایم و مسایل روشن تر شده گروه معترض ریزش جدی داشته، پس چرا این تجمع ممنوع است؟ چرا اجازه نمی دهند این اصل قانون اساسی تحت نظر خود حکومت پیاده شود و پس از یکی دو تجمع معترضان هم بفهمند که گروهی اندک هستند و بساط خود را جمع نمایند؟ اینجاست که این شبهه به وجود می آید که شاید حکومت هم معتقد است چنانچه تجمعی آزاد شکل گیرد معلوم می شود که گروه معترض اکثریت است و نه اقلیت که باز هم در این حالت این مشکل معترضان نیست. باز هم مشکل حکومت است که یک اکثریتی را خواسته اقلیت جلوه دهد.»

برای اثبات کم شمار بودن حامیان کروبی و موسوی اجازه تجمع سکوت بدهند

عبدالله نوری با اشاره به نتایج اعلام شده انتخابات گفت: «حکومت مدعی است که آقای جناب آقای کروبی در ایران حدود سیصد هزار رأی بوده و با رفتاری که پس از انتخابات از خود نشان داده دچار ریزش هم شده. آیا بهتر نیست با هماهنگی حکومت در هر نقطه که به تفاهم برسند تجمعی از طرفداران ایشان شکل گیرد تا آقای کروبی هم متوجه شود که طرفدارانش در سطح ایران بسیار اندک هستند و همینگونه در ارتباط با آقای مهندس موسوی؟ تا این گره به وجود آمده ای که با دست می تواند باز شود نیاز به دندان نداشته باشد.»

این روحانی تحول خواه با اشاره به توهین های بی سابقه ای که به مراجع و باران امام می شود گفت: «شما ببینید اهانت و هتاکی در برخی سخنان و یا رسانه ها به کجا رسیده؟ من در عمرم اهانت هایی که در جمهوری اسلامی از سوی برخی افراد و یا برخی رسانه ها می شود را به یاد ندارم اینگونه هم می خواهند وانمود کنند که عملکردشان العباد بالله متن اسلام است. چند روز پیش دیدم در تیتزر یک روزنامه نسبت به حضرت آیه الله العظمی منتظری آمده بود "حمایت از یک خائن به اسلام و انقلاب" این اسلام با این منطق در دنیای امروز و حتی در خود ایران جاذبه ایجاد می کند؟ به قرآن و نهج البلاغه نگاه کنیم و نگاهی هم به رسانه های هتاک که از هیچ اهانتی ایبایی ندارند. به راحتی نسبت کفر و ارتداد و جاسوسی و ابستگی به سیا و موساد و خیانت می دهند و از خدا و قیامت هم هراسی ندارند. مگر قرآن نمی گوید "و لا تتابوا بالالاقاب" یکدیگر را به القاب



### عقیق و ابریشم خسرو باقرپور

آغاز روز بود  
زمانی که گیسوانت را شناختم  
هر چند خوب می دانستم  
خویشاوند شب است  
و سرشار از شب است  
و خورشید را به انتهای جهان تبعید می کند.

پایان شب بود  
زمانی که ستاره چشمانت را رصد کردم  
و تا انتهای خواب های عمیق رفتم  
جهان چه کم رنگ بود  
به گاهی که بدر عقیق چشم هایت  
با گشودن پلک ها  
پیدا می شدند  
و شب را روشن می کردند  
و ما در کوباکوب دهل دلها مان  
رویش هر جوانه را می دیدیم  
و به باز شدن ساکت هر غنچه گوش می دادیم

و حالا  
ای غایب به ناگاه!  
اندوه تو بر گونه ی آینه می چکد  
بوی پیراهنت  
کبوتر غریبی ست  
در تنهایی خانه  
که بی قرار و هراسان  
از این سو به آن سو می پرد  
می پرسم از خودم:  
من با نگاه مات این پنجره در پایان روز چه کنم؟  
جواب جام شکسته شیشه را در آغاز شب چه بدهم؟

### دست از این شانه بردار محسن بوالحسنی

این روزها هر کسی زنگ می زند  
گریه می کند  
تلفن گریه می کند  
و یادم نیست  
جریان بادهای جنوبی  
از کی شروع شد  
که اینطور منم  
به گرمسیر خیابان ولی عصر  
و سنگرم دستم نیست  
خانه ام دستم نیست  
و می پرسم از خودم:  
شهادت کی ام من؟  
غریب کی؟  
دست از این شانه بردار  
اینجا خانه های عزا دار  
پرده های عزادار  
عزا های عزا دار از هم می ترسند  
تلفن را قطع می کنم  
لطفاً دیگر کسی از من  
سؤال های عجیب نپرسد  
من دیدم که مرگ  
آنقدرها هم اهل سیگار نیست.

### باغ زیتون شهلا بهاردوست

مثل این مرواریدها، قل قل دور گردنم  
قل قل، نفس روی نفس.

مثل این عکسها، تنگ توی چشمها  
تنگ تنگ، لابلای هم.

لبت چه داغ، دستم چه سرد،  
چه داغ روی موها، چه پُر کرده مشت!  
ریز ریز رسیده، نشانده شب را به پُشت!

ماه در هوس، ستاره در قفس!  
ترانه ها روی موج وای وای تکرار می کنند:  
ای وای ی ای این زیتون، باز خواب که را هوم م م می کند؟

مثل این کمر، چرخ چرخ، دور ناف من  
دراز شده شب، روی غنچه ها، روی خالها  
مبادا باز بازی بازها، تو را پرانده به خوابها؟  
مبادا میان خوابها، کبوترت انار چیده در هوسها؟

اینجا باغ روی خوشبوها، روی ناز، مخمل کشیده دراز  
اینجا مرغکی نک می زند مدام  
مدام روی رنگهای خوابش کسی گرفته نشان  
گاه پرده پاره، حیا نمی کنند!  
گاه از پرده های پاره عبور نمی کنند!  
گاه دست که دراز می کنند  
بیچاره ترسیده فرار می کند!

حالا دوباره از نو  
مثل این مرواریدها، قل قل دور گردنم  
قل قل، نفس روی نفس.  
مثل این عکسها، تنگ توی چشمها  
تنگ تنگ، لابلای هم  
مثل این کمر، چرخ چرخ، دور ناف من  
روی خال غنچه ها تا انتهای راه!





## بی پناهی اسماعیل خوبی

### به خسرو جان باقرپور

بی پناهی بشود عین پناهی گاهی.  
گم شدن، خود، بُودِ آغازِ راهی گاهی.

گریه را، خلوتی ار یافت نشد، رنج مبر:  
می شود گوشه‌ی ویرانه پناهی گاهی.

تا دل از شادی دیرینه کند شادان یاد،  
بس بُودِ جادوی شیرین. نگاهی گاهی.

رسدش تخت، پس از او، به چنان ضحاک،  
که بسوزد دلت از رفتن شاهی گاهی.

ناگزیر است ز ناکس مددی خواستن ات،  
در دل خود، چه بخواهی چه نخواهی، گاهی.

ارزش زندگی ات روشن و شفاف کند  
دیدن زیستن هرز و تباهی گاهی

دیده ام قطره که توفانگر دریا شده است،  
دیده ام کوه به لرز از پراکاهی گاهی.

در فروبستگی امید گشایش هم هست:  
می دمد از افق شبزده ماهی گاهی.

معجز عشق کم از تابش خورشید مگیر:  
شب تو روز کند چشم سیاهی گاهی.

آتش جان تو خاموش شود از نمی اشک؛  
کینه از سینه زداید دم آهی گاهی.

سر دیدار خدا دارم و سودای بهشت:  
ز من آتش دل دوزخ به گناهی گاهی.

گفتم: "ای دوست! مرو! جان من، ای ... خندان گفت:  
" ... آیم، البته، به دیدار تو... گاهی... گاهی..."

آسمان خواندت، اما پر پروازت نیست:  
باید - ای من! - که بسازیم به آهی گاهی.

دانش ام بود که از بوم و بر خویش براند:  
گمراهات نیز کند نقشه‌ی راهی گاهی.

آرشی خاست و ایران ز انیران برهاند:  
از دلیران، یلی ارزد به سپاهی گاهی.



## صدایت از جنس آتش است رضا مقصدی

بخوان! صدای تو خوش تر است، زمانه ات همزبان تو  
که تا سپیده، گل آورد چمن - چمن در زمان تو  
\* \*

رها کن از سینه عاشقا! ترانه های تر تو را  
که دل به عشق تو می تپد به جان عاشق به جان تو  
\* \*

اگر چه در غربتم غمین، غمت میاد و بیا ببین!  
چگونه می رقصم زمین، به شور شعر جوان تو  
\* \*

مرا هوای تو بر سر است، ازین هوا دل، معطر است  
سرود رود تو خوشتر است، درود بر باغبان تو  
\* \*

اگر بهار تو بشکند سکوت سرد بنفشه را  
کجا تواند فرو چکد؟ صدای زرد خزان تو  
\* \*

صدایت از جنس آتش است بخوان هماره که دلکش است  
همین، همین جان سرکش است درین میانه، نشان تو  
\* \*

در ازدحام تیر اگر شکسته شد شاخه های تر  
مرا ز جنگل دهد گذر، شکفتن شادمان تو  
\* \*

«دوباره می سازمت وطن» سرود سبز دل من است  
زمانه را گو! چه می سزد اگر نبوسد دهان تو.

## مرا به خاک سپردی پیرایه یغمایی

مرا به خاک سپردی، دوباره می رویم  
از آستین زمستان بهاره می رویم

و چون دانه سر زدم از پوست کفن دریدم  
ز تنگنای گریبان پاره می رویم

نسیم می وزد و می وزم به دامانش  
به تاب کولی این گاهواره می رویم

مرا به هستی دیگر، طراوت خورشید  
اشاره کرد و به حکم اشاره می رویم

بهار می رسد و با غرور پله ی برگ  
ز خاک می گذرم تا ستاره می رویم

بهار می گذرد، باز در ملایه ی زر  
به گوش باد خزان گوشواره می رویم

مرا به خاک سپردی و خود ندانستی  
... نشان خیرم و بی استخاره می رویم